

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال هشتم
اول خردادماه ۱۳۷۱ شماره ۸۴

۲ صفحه - ۵۰ ریال

مجلس چهارم تعمیق بحران

تظاهرات خونین مردم در شیراز

هزاران تن از مردم به جان آمده شیراز در اعتراض به کرائی و تشدید جوسرکوب در این شهر با شعارهای فد دولتی به خیابانها ریخته و تعداد زیادی از موسسات دولتی و ماشین های سپاه پاسداران را به آتش کشیدند. روز چهارشنبه ۲۶ فروردین ماه مردم شیراز از نخستین ساعات با داد تظاهرات خود را با شعارهای مرگ بر پاسدار و مرگ بر گران شروع کردند. رژیم برای مقابله با تظاهرات رویه گسترش مردم اقدام به اعزام چند افسار سپاه پاسداران مزدور خود به منطقه نا آرام شهر کرد که با باطوم و سلاحهای مختلف به تظاهر کنندگان یورش برده و عده ای را دستگیر کردند. این عمل بر شدت تظاهرات افزود و گروههای مختلفی از مردم به تظاهرات پیوستند. مردم خشمگین که با حمله پاسداران رژیم رو برو شدند با شعارهای مرگ بر رفسنجانی و مرگ بر خاشاک پاسداران حمله کرده و ماشین های گشت سپاه ساختمان پاسگاه انتظامی پاسداران را به آتش کشیدند. دفتر مجاهدین خلق ایران - بغداد با استناد به گزارش ستاد فرماندهی داخل کشور، اعلام کرد که تظاهر کنندگان ساختمان شورای شهر، دفتر آخوند منتخب نیوا ساختمان فرماندهی نیروهای انتظامی رژیم در این شهر را به آتش کشیدند. بنابه این گزارش شعله اصلی بانک ملی، شعبه

بهبزادبان از قاشات، عبدالعلی زاده از ارومیه، امضی - زاده از تهران، هدایت آقایی از سا، کبیری از مرودشت خاتم رجائی از تهران، خلخالی از قم، حسینی بزرنجی از نققه، صدیقی از سلماس، صالح آبادی از مشهد، نجفی از خواف، بهزاد نبوی از تهران و تعدادی دیگر را درنمود. شورای نگهبان در این رابطه هیچ گونه دلیلی، حتی برای خودکسانیکه گاندید اتوری آنان زنده بود، ارائه نداد و حتی در مقابل درخواست بهزاد نبوی و تعداد دیگری از کسانیکه صلاحیت آنان زنده بود، یعنی برای اعلام علمی علت عدم صلاحیت آنها، شورای نگهبان اعلام نمود که دلایل رد صلاحیت انتشار علمی نخواهد یافت.

کبیری نماینده ارتجاع از مرودشت در جلسه مجلس ارتجاع در این رابطه میگوید:
"یکی از عوامل مهم انتخابات اخیر بحث و بررسی" در صفحه ۲

مرحله دوم انتخابات مجلس ارتجاع در تاریخ ۱۸ اردیبهشت امسال برگزار شد. نتیجه انتخابات مجلس چهارم ارتجاع در دو روز اول و دوم نشان دهنده این امر است که اتحاد رفسنجانی با جناح رسالت (پسازار)، جناح موسوم به خط امام را کاملاً کنار گذاشته و در نتیجه رژیم یک قدم دیگر به سمت بن بست و انقباض سیاسی گام برداشته است.

پس از آنکه مرحله اول انتخابات پایان رسید، دیگر ترمیمی وجود نداشت که اتحاد رفسنجانی با جناح بازار، منضم است که تمامی سران باند موسوم به خط امام را کنار بگذارد و حداقل به تعدادی محدود از عناصر غیر موثر این باند اجازه دهد که به مجلس ارتجاع راه یابند. قبل از برگزاری انتخابات شورای نگهبان صلاحیت تعدادی از افراد موثر و سرشناس این باند مثل، بیات از زنجان، حسینی از لرد، موسوی از تبریز، غفاری از تهران، جامی از تربت جام،

جامعه امریکای سرد و راهی

عدالت چهره خود را در بهشت سرمایه داری نشان داد. چهار بیلیس که سال گذشته، یک سایه پوست را به شدت مورد ضرب و جرح قرار داده بودند، در دادگاه لوس آنجلس تیرش شدند. آزادیخواهان و عدالت طلبان جهان، به این تصمیم قضائی رسوا شئی آور اعتراض کردند، باره ای باز هر خند، اینرا گوشه ای از شاهکارهای دستگاه قضائی کشوری دانستند که نیروهای حاضر بر آق او در همه جادرمند پیاده کردن "نظم" نوین و دفاع از "آزادی" است. اما سایه هان امریکا، هنگامی که در روز ۱۰ اردیبهشت امسال، خبر تیرش چهار افسر بیلیس را شنیدند، به شکل دیگسری عکس العمل نشان دادند. عکس العمل سایه هان و آن گروه از سفیدپوستان که در بهشت سرمایه داری، حتی نمی توانند شک های شان را نیمه سیر کنند، بنحوی بود که عمق و شدت تضادهای طبقاتی را در جامعه امریکا نشان داد. تیرش، به آتش کشیدن سفارها، غارت هر

در صفحه ۱۱

نقدی بررمان "رازهای سرزمین من"

در صفحه ۹

کاریکاتور خمینی در مجله "فاراد"

در صفحه ۵

اوضاع افغانستان

سرانجام بعد از ۱۴ سال جنگ قدرت بین دولت افغانستان به رهبری نجیب الله و گروههای مجاهدین افغانی و بدنبال شکست طرح صلح سازمان ملل متحد، گروههایی از مجاهدین افغانستان وارد کابل شده و به صورت مسالمت آمیز حکومت را بدست گرفتند.

باکناره گیری دکتر نجیب الله رهبر حزب وطن، حزب حاکم افغانستان وسپرده شدن قدرت بدست یک شورای چهار نفره از مشاورین وی که در رأس آنها عبدالوکیل وزیر خارجه افغانستان قرار داشت، این شورای اعلام کرد که حاضر است قدرت را به شورای حکومتی که بر طبق طرح سازمان ملل قرار بود شکل بگیرد بصورت مسالمت آمیز تحویل دهد. بنون سوان نماینده سازمان ملل در امور افغانستان بدنبال سقوط نجیب الله تلاشهای گسترده ای را بهرامون طرح سازمان ملل از سر گرفت که نتیجه ای نبخشید و طرح سازمان ملل شکست خورد. در اینحال گروههای مجاهدین افغانی از شمال و جنوب کابل را در محاصره خود گرفتند. سخنگوی حزب اسلامی حکمت یار ضمن ردهر گونه حکومت ائتلافی تضمین حزبش را در برقراری یک جمهوری بنیادگرای اسلامی اعلام کرد و در اجلاس پیشاور پاکستان که ده گروه شورشی در آن گرد آمده بود نیز شرکت نکرد. در توافقی که در پاکستان بین ده گروه از مجاهدین افغانی صورت گرفت شورا شئی تشکیل دید که در آن احمد شاه مسعود یکی از

در صفحه ۱۱

۳. خرداد نقطه عطفی

در جنبش رهائی بخش مردم ایران

در صفحه ۶

در این شماره:

- درگیری آلونک نشین ها با پاسداران
- انفجار دفتر مجله "دنیای سخن"
- سقوط هواپیمای مسافربری در ساوه
- دور دوم انتخابات مجلس اخوندی
- اعزام پاسدار و روحیات به سودان
- دومیلیون معتاد در ایران
- محکومیت تروریست رژیم
- برخی رویدادهای تاریخی
- شهدای فدایی
- در رسانه های خبری جهان
- اخبار خارجی
- اخبار مقاومت

مزدوران رژیم همدیگر را رسوا می کنند

در صفحه ۸



صلاحیت کاندیداها بود. در این جا بود که صلاحیت عده کثیری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از طرف هیئتهای نظارت استان وهیات مرکزی نظارت بر سر انتخابات وشورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفت. من نیز از جمله کسانی بودم که صلاحیتم مورد تأیید قرار نگرفته بود. طبق تبصره یک ماده ۵۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در صلاحیت داوطلبان نامزدگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون وبراساس مدارک واسناد معتبر باشد. علی رغم صراحت قانون متاسفانه از سوی هیئت مرکزی نظارت نیز دلیلی بر رد ارائه نشدوبرخلاف تبصره ماده ۵ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی که تصریح در صلاحیت محرمانه به اطلاع داوطلب میرسد، خبر رد صلاحیت اینجانب بلافاصله در منطقه منتشر واز طرف جناح مقابل بشدت به آن دامن زده شد.

بهر حال طبق تبصره ماده ۵ قانون نظارت، اینجانب ضمن عدم اطلاع از کم و کیف در صلاحیت طی نامه ای به شورای نگهبان نسبت به در صلاحیت اعتراض کردم اما بدون بررسی مجدد پرونده، بلافاصله شورای نگهبان نظریات مرکزی نظارت را تأیید و به درخواست این جانب که طی نامه ای خواسته بودم مستندات قانونی ومدارک واسناد معتبر ردال بر در صلاحیت را ارسال کنند، هیچ پاسخی ندادند. من از وضعیت دیگران اطلاع چندانی ندارم، اما با توجه به وضعیت بررسی صلاحیت خودم اگر نتیجه بگیرم که این روش هنگانی بوده و به جای بررسی صلاحیت های افراد، یک گروه و جریان سیاسی مدنظر بوده است، شاید چندان به خطانرفته باشم. در حال ماجرای در صلاحیت نمایندگان که برخی سه دوره، بعضی دودوره وعده های دستکم یک دوره در مجلس شورای اسلامی خدمت کرده اند وعده ای از آنها از چهره های سرشناس کشورند این سوال را پیش می آورد که آیا در گذشته، حساب و کتابی در مملکت حاکم نبوده که افراد بی صلاحیت به سگرمیمی مثل مجلس راه یافته وسالپ آن را حفظ کرده اند؟ یا داستان چیست دیگر است و آن هم حاکمیت مطلق یک جریان سیاسی وحذف جناح رقیب از میدان است. رد صلاحیت نمایندگان که بعضی از آنها از جمله خود من در آخرین لحظات تأیید شدم، حربه مناسبی بود بسرای ضربه زدن به شخصیت آنها و باز کردن دست رقبای آنها با این حربه سبب تأییدی و بروشهای غیر اسلامی و ناجوانمردانه خود برزند و جواز زمین تهمت های بیشتر را دریافت کنند. " لکبهان هوایی ۷۱/۲/۲ شماره ۱۹۷۷

کبیری در این جابه "حاکمیت مطلق یک جریان سیاسی وحذف جناح رقیب" اشاره می کند. بدین ترتیب جریاناتی که تشکیل دهنده باند موسوم به "خط امام" هستند، طی مراحل مختلف کنار گذاشته شدند و این جریانات که عملاً در "مجمع روحانیون مبارز"، "دفتر تحکیم وحدت"، "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، "انجمن انجمن های اسلامی دانشجویان"، "انجمن اسلامی معلمان ایران" "انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها" و "انجمن اسلامی هیئتدانشان ایران"، متشکل شده اند، علیرغم هیاهوی بسیاری که به راه انداخته بودند، نتوانستند هیچگونه اقدام موثری برای جلوگیری از حذف خود بنمایند. وقتی نتایج دور اول انتخابات اعلام شد روزنامه

جمهوری اسلامی که باتزلزل از جناح خط امام حمایت می کرده، طی مقاله ای بتاریخ بیست و یکم فروردین ۱۳۵۷، اعلام نمود که "چهره های انقلابی که در انقلاب شرکت داشته اند حذف شدند و کسانی که مبارز بوده اند، پیروز شده اند." (متن کامل این مقاله روزنامه جمهوری اسلامی در همین شماره نبرد خلق آمده است) رسول منتخب نیا، نماینده ارتجاع از شیراز در جلسه مجلس با نکات سهمی در رابطه بسعدوردوم انتخابات نیز اشاره میکند (صحبت های رسول منتخب نیا در همین شماره نبرد خلق چاپ شده) و در پایان اعلام می کند که "اگر در مرحله دوم مردم را از جو مسموم موجود آزاد کنند، موفقیت قطعی از آن باران اسام میشود." اما نتایج مرحله دوم انتخابات که منجر به حذف کامل باند "خط امام" شد، نشان داد که آن چیزی که رژیم اساساً بدان توجه ندارد، پایبندی به قانون وتوجه به حقوق دیگران، حتی باندهای وابسته بخود است. در این رابطه بدون تردید، رفسنجانی از هر کس به خمینی نزدیک تر است. زیرا برای خمینی حفظ نظام واستمرار ولایت مطلقه فقیه بر هر چیز و هر کس مقدم بود و او حاضر بود هریرسب وقانونی را در این راه فدا نماید. اکنون کسانی که خود را "یاران" امام می دانند، ورورگاری خود از گردانندگان اصلی سیاست های رژیم بودند و در سرگوب آزادی هانقش اصلی را داشتند، مجبورند با همان جریمه ای که دیگران را از صحنه خارج کردند، خود خارج شوند. با انجام انتخابات مجلس چهارم ارتجاع، در ترکیب حاکمیت تغییراتی صورت خواهد گرفت. باند رفسنجانی که قبلاً در نیروی اجرائی دست بالا را داشت، با وجود مجلس چهارم، احتمالاً بعضی تغییرات ترکابیشته بسود جناح بازار و در جهت حذف جریان موسوم به خط امام را صورت دهد. قوه قضائیه عملاً در اختیار جریان بازار بود که بنفوذ بنظر میرسد تغییر عمده ای در آن صورت گیرد. در مجلس چهارم نیز، دو جریان اصلی وجود خواهد داشت. جریان رفسنجانی وجریان بازار. جریان بازار که روزنامه رسالت، ارگان این جریان است، اکنون در قوه قضائیه وقوه مقننه، همراه باشورای نگهبان، نقشی بسیار پیدا کرده است این جریان کوشش خواهد کرد قوانینی بسود بازار آزاد وتجارت آزاد به تصویب برساند و ضمناً آن بخش از قوانین که طی دوران سه مجلس قبلی و در دولت موسوی، علیه بازار تصویب شده راملغی نماید. آخوند کلیپایگانی که از مراجع قم و از پشتیبانان این جناح است در پیامی که برای برگزاری دوره چهارم مجلس ارتجاع فرستاد به این نکته اشاره نموده می گوید:

" انهان متنبین راه این نکته جلب می نمایم که شرکت اینجانب در انتخابات جریاناتی که در تأیید این نظام می باشد جهت حفظ این دستاوردهای انقلاب است و هرگز کوچکترین انحراف از احکام اسلام را از هر مسئولی و در هر مجلسی نایده نگرفته وتا تأیید نگنیرم. ونمی کنم و به آن راضی نبوده ومحکوم می نمایم واز نمایندگان محترم اصلاح قوانین خلاف شرع که از دوره گذشته باقی مانده و بپادشرایط خاصی بعسد از انقلاب به تصویب رسیده است را انتظار دارم. " (لکبهان هوایی - شماره ۷۱/۱/۲۶-۲۶)

جناح بازار که در دستگاه ولایت فقیه از عقبسب افتاده ترین قوانین اجتماعی پیروی می کند، خواهد

کوشید، یکی از انصار گسیخته ترین و بپر حمانه ترین روابط اقتصادی را حاکم گرداند. این جناح که از متحجر ترین افراد هرم ولایت فقیه تشکیل شده، در تقابل با بعضی سیاست های اقتصادی رفسنجانی نیز قرار خواهد گرفت. کوشش این جناح این خواهد شد که تا آنجا که میتواند انفوختمکی خود را در بخش تجارت نگه داشته و از این راه سوده های سرشار کسب کند. بدین ترتیب با شروع کار مجلس چهارم، بازم بر فرتوده ها و کراتی مابحتاج مردم مردم افزوده و این در حالی است که با وجود این جناح وقدرت هیچگونه گشایشی در وضعیت عمومی اجتماع بسود مردم ایران، صورت نخواهد گرفت و حتی در مقابل آن مقدار ناچیز مدرن نمایی رفسنجانی نیز کار شکنی بسیار از جانب این جناح صورت خواهد گرفت. برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق، در ضمیمه همین مقاله بعضی اطلاعات در مورد این جریان درج شده است. اما در اینجا بدینست به بسک مورد از سیاست های این جریان در گذشته اشاره کنیم. این جریان که در گذشته در فدائیان اسلام متشکل بود، در مقابل مدعی سیاست بسیار خصمانه پیش گرفت واز کودتای ۲۸ مرداد، مثل خمینی حمایت نمود. عبدالله کر با سجان که اکنون یکی از گردانندگان باند جیپا و لکر بازار است در دوران دکتر معنی سردبیر روزنامه نبرد ملت بود. وی یک روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ علمه حکومت قانونی مدعی در روزنامه نبرد ملت نوشت:

"دیروز تهران در زیر قدم های مردانه افراد ارتش مسلمان وشد اجنبی می لرزید. ممدق غول پیر خون آشام، در زیر ضربات محوکننده مسلمانان استعفا کرد. حسین فاطمی خائن که از خطر گلوله برادران نجات پیدا کرده بود، قطعه قطعه شد. نخست وزیر انقلابی وقانونی برای ملت سخنرانی نمود. سر لشکر بیاتمناب نقلیح به ریاست ستاد منصوب شد. کلیه مراکز دولتی به تصرف مسلمانان وقشون اسلامی درآمد وجاسوسان ووطن فروشان وعمال حکومت خائن ممدق از تری انتقام ملت به لانه های کثیف خود فرار کردند." (روزنامه نبرد ملت - ۲۹ مرداد ۱۳۳۲)

همین روزنامه ده روز بعد از کودتای نگهبان وامپریالیستی ۲۸ مرداد نوشت: "رستاخیز مقدس ۲۸ مرداد را باید با اعدام ممدق وعمال خیانتکار او وقلع وقمع بنهاندگان سفارت تکمیل کرد. نخستین نطق شاهنشاه، پس از بازگشت فاتحانه خود به خاک وطن، مانند آب زلال وگواراشی بر قلوب سوخته ودل های ملتیب واحساسات چریحه دار مردم مسلمان و زجر کشیده ایران ریخته شد." (روزنامه نبرد ملت بامسئولیت عبدالله کر با سجان مورخ ۱۳۳۲/۴/۷)

این دو نمونه بسیار کوچک از موضع گیری نیروهای جناح بازار در مقابل دولت دکتر معنی بود. اکنون با وجود قدرت این جناح در مجلس چهارم ارتجاع انتظار گشایش سیاسی واجتماعی، یک انتظار ساده لوحانه است وگمانیکه به این توهم دامن می زنند یا می خواهند در جیپا و لکری های جناح بازار سهم شوند ویا از استیمال ودرماندگی سیاسی خود راه نادانی می زنند.

اکنون با پایان یافتن انتخابات مجلس چهارم ارتجاع این سوال مطرح خواهد شد که با توجه به ترکیب جدید

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

سقوط هواپیمای مسافربری در ساوه

یک فروند هواپیمای مسافربری مدل فوکر فریباند- شپ که هواپیمائی کوچک است ظرفیت حمل حدود ۴۰ نفر مسافر را دارد در حالیکه کارکنان شرکت ملی پتروشیمی را حمل می کرد در نزدیکی ساوه سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن که حدود ۳۹ نفر می شدند کشته شدند به گفته کارکنان فرودگاه مهرآباد این هواپیما بر اثر یک انفجار سقوط کرده است اما منابع دیگری سقوط این هواپیما را ناشی از نقص فنی می دانند. این نوع هواپیماها که استفاده آن در انحصار ارتش است بر اثر بی لیاقتی رژیم پوسیده خمینی کم کم بدن رعایت مسائل ایمنی به مسافركشی پرداخته اند و از قریب ۲ سال پیش در فرودگاه دارای ترمینال هائوسی شده اند. این هواپیماها بدلیل اینکه تحت نظارت هواپیمایی کشوری نیستند از پایشترین سطح ایمنی برخوردارند و به هیچوجه برای حمل و نقل مسافر نباید بکار گرفته شوند. ولی از آنجائیکه رژیم ضد مردمی خمینی کوچکترین اهمیتی به جان مردم نمی دهد، صرفا به خاطر انباشتن جیب های گشاد سردمداران اش بدون توجه به عواقب فاجعه بار آن، اجازه پرواز به این نوع هواپیماها را داده است.

دور دوم انتخابات مجلس آخوندی

دور دوم انتخابات مجلس ارتجاع با تحریم گسترده مردم میهنمان همراه بود. در این رابطه خبرگزاری آسوشیتدپرس از تهران گزارشی بشرح زیر مخابره کرده است: " جمعه دور دوم انتخابات پارلمانی رجوع رای دهندگان کم بود ۰۰۰ یک راننده تاکسی، گفت دولت در ۱۳ سال گذشته پس از انقلاب هیچکاری برای من و خانواده ام انجام نداده است. چرا من بایست زحمت رای دادن را بخود دهم، در پایتخت، خیلی به این خاطر رای داند که مهر لازم در شناسنامه شان، که برای همه چیز از خروج از کشور تا پذیرش در دانشگاه مورد احتیاج است را دریافت کنند ۰۰۰ یک دانشجوی مهندسی گفت، وی برای این رای می دهد که بزودی فارغ التحصیل شده و تصمیم دارد برای کار در خدمات غیر نظامی اقدام کند. وی گفت: من نمی خواهم بخاطر نداشتن مهرهای لازم در شناسنامه ام دچار هیچ دردمندی بشوم."

دومیلیون معتاد در ایران

اداره بین المللی کنترل مواد مخدر وزارت امور خارجه امریکا در یک گزارش اعلام کرد که حدود ۲ میلیون معتاد در ایران زندگی می کنند و در سال ۲۰۰ تا ۴۰۰ تن تریاک در این کشور تولید میشود. به علاوه مقدار زیادی مواد مخدر از طریق افغانستان و پاکستان وارد ایران میشود و بعد به بازارهای اروپایی و آمریکایی راه پیدا می کند.

حکومیت تروریست

فوادعلی صالح یکی از منفورترین چهره های تروریستی رژیم خمینی که به اتهام بمب گذاری در اماکن عمومی پاریس که به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از شهروندان این کشور منجر گردید، به محاکمه کشیده شده بود به حبس ابد محکوم شد. رژیم تروریست و جنایتکار آخوندها تلاشهای دیپلماتیک و پشت پرده زیادی را در جهت آزادسازی این جانی بکار گرفت که بدلیل ابعاد وحشتناک جنایتهای این تروریست به جایی نرسید.

توقیف کشتی حامل اسلحه برای رژیم خمینی

یک کشتی باربری که برای رژیم خمینی اسلحه و مهمات حمل می کرد باتلاش مأمورین ساحلی آلمان در بندر روستوک در کرانه بالتیک توقیف گردید. این کشتی که محموله آن ظاهرا " آهن پاره " عنوان شده بود بدنبال دستور دادستان بندر روستوک مورد بازرسی قرار گرفت و بعد از کشف مقادیر زیادی اجزا و قطعات تانک و لوله های توپ در آن از حرکت آن جلوگیری بعمل آمد. طبق قوانین آلمان حمل اسلحه و مهمات به مناطق بحرانی و رژیم خمینی ممنوع است.

حکومیت صادرکنندگان اسلحه به ایران

یکی از شرکت های ژاپنی متهم به صدور قطعات موشک برای رژیم خمینی در توکیو به پرداخت شصت هزار مارک جریمه محکوم گردید و چهار نفر از کارکنان این شرکت به دو سال زندان محکوم شدند.

اعزام پاسدار و مهمات به سودان

رژیم پوسیده خمینی در ادامه سیاست بغایست ارتجاعی "مدور انقلاب" خود کمک های تسلیحاتی و نظامی زیادی را به حکومت مرتجع سودان در جهت سرکوب ارتش جنوب این کشور که بر علیه حکومت مرکزی می جنگد، اختصاص داده است. گزارش خبر- گزارشی های جهان در این مورد حاکی است که رژیم خمینی بین ۵ تا ۹ هزار نفر از پاسداران مزدور خود را به همراه تعداد زیادی موشک، توپ، بمب، تانک های ساخت شوروی سابق و چین و انواع مهمات، به این کشور اعزام داشته است. روزنامه الحیات چاپ لبنان که این گزارش را مخابره کرده است میزان این کمکها را ۲۰ میلیون دلار ارزیابی می کند. این روزنامه از قول منابع مصری می نویسد تعداد هزار نفر از سران سپاه پاسداران رژیم فعالانه مشغول آموزش سربازان سودانی هستند.

اخبار خارجی

جبهه نجات اسلامی الجزایر

دادگاه عالی الجزایر رسماً جبهه نجات اسلامی، حزب مخالف دولت این کشور را منحل کرد و فعالیت آنرا ممنوع اعلام نمود.

اعتصاب کارگری در آلمان

به دعوت اتحادیه کارگران حمل و نقل عمومی در آلمان اعتصاب سراسری و گسترده ای در قسمت غربی آلمان آغاز شد و در مدت کوتاهی قسمت های حمل و نقل عمومی، خدمات پستی و جمع آوری زباله در شهرهای آلمان بکلی از کار افتاد. این اعتصاب بیسابقه که به منظور افزایش دستمزدها صورت گرفت، پروازهای فرودگاههای بین المللی برلین، هانور، دوسلدورف و کلن را مختل کرد و فرودگاه بین المللی بینلرزگ فرانکفورت نیز در جریان این اعتصاب برای مدتی تعطیل گردید. این اعتصاب بزرگترین اعتصاب پس از جنگ جهانی دوم در آلمان بود. بعد از گذشت یازده روز از اعتصاب دولت آلمان با افزایش دستمزدها موافقت کرد و به مذاکره با سندیکاهای مربوطه پرداخت.

زنان در افغانستان

راندیویی بی سی به نقل از روزنامه تایمز می نویسد: " که با آزاد شدن کابل شهری که در تمام افغانستان به آزاد بودن زنان معروف بود آزادی زنان از بین رفته و تمام آنها که مجبور شدند چادر بسر کنند از داخل خیابانها محو شده اند. دیروز برای اولین بار گویندگان زن تلویزیون کابل با حجاب اسلامی در تلویزیون ظاهر شدند و زنهایی که در خیابانهای کابل قدم می زدند به داخل خانه های خود پنهان شده اند. به نوشته تایمز جنگ داخلی افغانستان باعث شد که زنان آن کشور آزادی پیدا کنند و حالا با پایان یافتن آن جنگ و آزاد شدن افغانستان از جنگ حکومت کمونیست ها و قدرت گرفتن نیروهای اسلامی آزادی زنان از بین رفته است."

تقسیم ناوگان دریای خزر

بدنبال توافق کشورهای روسیه، قزاقستان و ترکمنستان از جمهوری های شوروی سابق، ناوگان بحر خزر مستقر در این منطقه بصورت اصولی و بتدریج بین این کشورها تقسیم میشود. جمهوری آذربایجان نیز در این تقسیم بندی صاحب تعدادی از ادوات و کشتی های جنگی این ناوگان میشود. طبق گزارش انستیتوی تحقیقات استراتژیکی در لندن این ناوگان از چهار اژدرافکن، ۳۰ کشتی جنگی ساحلی و ۲۲ فروند کشتی ویژه مین و ۱۹ خودروزمینی - دریایی تشکیل شده است.

استعفای گنشر

هانس دیتريش گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال بعد از ۱۸ سال از مقام خود استعفا داد. وی در مصاحبه ای اعلام کرد که بعد از این مدت طولانی در پست وزارت خارجه صلاح است که داوطلبانه از این مقام کناره بگیرد. ناظرین سیاسی علت استعفای او را اختلاف نظری با هلموت کهل بر سر سیاست اروپایی رئیس جمهور آلمان دانستند.

در صفحه ۵

مجلس چهارم تعمیق بحران

حکومت، چه تغییراتی در سیاست های رژیم روی خواهد داد .

۱- رژیم در عرصه قدرت و ولایت مطلقه فقیه هیچ گونه تغییری نخواهد کرد. باند بازار، یکی از مدافعان سرسخت ولایت مطلقه فقیه و جاری کردن قوانین فقه و اسلام سنتی در جامعه است. حذف نیروهای موسوم به خط امام، سیستم ولایت فقیه را متمرکزتر خواهد کرد . در جریان مبارزات انتخاباتی فاش شد که بعضی از چهره های سرشناس باند خط امام مثل آخوند خونی، ها ، به ولایت فقیه بدون خمینی اعتقادی ندارند .

۲- در زمینه گشایش در اوضاع سیاسی و اجتماعی، تغییری در جامعه صورت نخواهد گرفت. فشار بر مطبوعات، فشار بر نژاد و فشار بر مردم افزایش خواهد یافت. میاهو علیه آن چیزی که رژیم آنرا نهایج فرهنگ غرب می نامد، افزایش خواهد یافت. طبیعتاً رژیمی که در بحران عمیقی قرار دارد، رژیمی که یکی از باند های مهم خود که نقش مهم در ارگانیهای سرکوب داشته را حذف کرده، نمیتواند شکل سابق مبارزات مردم را سرکوب نماید و از این زاویه، مبارزات مردم افزایش خواهد یافت. اما باید تاکید کرد که رژیم تا آنجا که میتواند و تا آنجا که قدرت عملی دارد، این مبارزات را سرکوب خواهد کرد .

۳- در زمینه مناسبات بین المللی، سیاست رژیم در دوران حکومت رفسنجانی ادامه خواهد یافت. شرایطی که آمریکا برای تجدید رابطه با ایران در نظر گرفته، برای رژیم نمیتواند عملی باشد و بنابراین مناسبات رژیم در حوزه اقتصادی با کشورهای اروپایی ادامه خواهد یافت. رژیم همچنان به سیاست صدور انقلاب اسلامی با اشکال مختلف که شرایط جدید جهانی ایجاد کرده، ادامه خواهد داد. صدور ارتجاع اسلامی در کشورهای آسیایی شوری سابق برای رژیم اهمیت خواهد یافت. رژیم همچنان به سیاست تروریستی خود در خارج از مرزهای کشور ادامه خواهد داد .

۴- تنها عرصه ای که در آن تغییری سریع تر از آنچه در گذشته اتفاق افتاده، صورت خواهد گرفت، در زمینه اقتصادی است. موانعی که از نظر قانونی بر سر گذرش اقتصاد آزاد بازار وجود دارد، بتدریج بر آید از میان برداشته خواهد شد. بسیاری از سوسیدها با زهم حذف خواهند شد. به این مساله رفسنجانی در نماز جمعه یک هفته بعد از مرحله اول انتخابات اخیر، به طور روشن اشاره می کند، رژیم خواهد کوشید که در سیاست های پولی کشور، یک تغییر اساسی بوجود آورد و برای این خواهد کوشید که برای دلار یک قیمت ثابت و همگانی تعیین و در واقع و عملاً ارزش ریال را بیش از ۲۰ برابر کاهش دهد. اگر دولت رفسنجانی در اجرای این سیاست با ممانعی در دستگاه خود روبرو شود، عملاً به یکی از خواسته های مهم بانک جهانی تن داده و راه برای چپاولگری تجار داخلی و بین المللی هر چه بیشتر باز خواهد شد. اما این مساله سبب گسترش فقر، با لاف زدن هر چه بیشتر قیمت ها، پاشیدن آمدن سریع و هر چه بیشتر قدرت خرید مردم و رشد هر چه بیشتر نارضایتی خواهد شد. طی چند سال اخیر، با لاف زدن تضادهای قیمت ها و پاشیدن آمدن قدرت خرید مردم، سبب

بروز نارضایتی گسترده در بین مردم شده و باعث حرکات اعتراضی گسترده طی یکسال اخیر شده است. این حرکات با توجه به سیاستهایی که رفسنجانی در مسند است با وجود مجلس چهارم بدان مبادرت ورزد، هر چه بیشتر گسترش خواهد یافت. بیشترین فشار بر حقوق بگیران، شامل کارگران و کارمندان وارد خواهد شد . مردم در زندگی روزمره خود، هر چه بیشتر به این حقیقت پی خواهند برد که از امام زاده رفسنجانی هم هیچگونه معجزه ای ساخته نیست. در واقع رفسنجانی با حذف باند خط امام، ورثه کتگی خود را بیش از هر موقع دیگر بنمایش خواهد گذاشت و مردم را به واقعیت وجودی خود، هر چه بیشتر آگاه خواهد نمود. و در مجموع بحران اقتصادی در جامعه هر چه بیشتر گسترش و تعمیق خواهد یافت .

۵- عدم تغییر در اوضاع سیاسی و تغییر در اوضاع اقتصادی به ضرر اکثریت مردم، تضادهای موجود در جامعه را تشدید خواهد نمود. این مساله شرایطی را برای سرنگونی رژیم راه هر چه بیشتر فراهم خواهد نمود و بر این رابطه وظایف مهمی در مقابل جنبش مقاومت انقلابی قرار خواهد داد. مردم ایران باید دریابند که راه رهایی آنان، از طریق مبارزه مستقیم و متشکل خود آنان است. این تغییری است که باید در ذهنیت و روانشناسی مردم صورت گیرد و اگر مردم به چنین امری آگاه شوند کار سرنگونی رژیم و استقرار صلح و آزادی و دمکراسی به مرحله نهایی و قطعی خواهد رسیده است. مقاومت مسلحانه انقلابی باید با گشایشی پیچیده برای تحقق این امر بکوشد .

ضمیمه یک:

یک نماینده مجلس ارتجاع، پس از آنکه حقایقی در رابطه با برگزاری انتخابات مجلس چهارم ارتجاع را بیان کرده بود، اظهار ندامت نمود، داوود توحیدی نماینده ارتجاع در مجلس سوم از بروجرد در جلسه ۲۵ فروردین اسامی اعلام نمود که:

"با توجه به نحوه انجام انتخابات در حوزة انتخابیه شهرستان بروجرد و لوردگان سوال این است که آیا جمعیت دو شهرستان چقدر است و چقدر رای باید به صندوق ریخته شود؟ این جایباید خدمت رهبر عظیم الشان انقلاب عرض کنم که در این دو شهرستان آنقدر بی نظمی وجود داشت که از میان نزدیک به ۱۸۰ هزار نفر جمعیت نزدیک به ۱۲۰ هزار رای به صندوق ریخته شد و آن قدر در آنجا بی نظمی وجود داشت که بعضی از افراد توانستند بایک شناسنامه بیش از ۱۷ الی ۱۸ رای به صندوق هابریزند و دستگاههای اجرائی در آن جابجایی کلی بکطرفه عمل کردند، در اینجا لازم می دانم از هیئت نظارت مرکز و مسئولان وزارت کشور درخواست کنم که نسبت به باز شماری صندوق ها اقدام کنند و ببینند این آرا از کجا آمده و در صندوقها ریخته شده است؟ همچنین باید در این جا عرض کنم آماجواب مردمی که آمدند و گفتند در یک صندوق ماسه هزار رای داشتیم پس چطور شد که یک هزار رای خوانده شده مسلسل است؟ آیا باید بازگبار کلوله جواب آنها را بدهند؟ چرا وقتی که مردم تنها رفاشان این است که صندوق ها را باز شماری کنید، نیروهای انتظامی عاذاً باید با اسلحه روه روی آنها بایستند و تعداد زیادی از آنها را به خاک و خون بکشند و بعد هم بگویند که این مسئله، شورش بوده و به رهبری خود کاندیدا انجام

گرفته است؟ من که در آن وقت آن جانب بودم. چرا وقتی مردم اعتراض می کنند که باید صندوقها باز شماری شوند آقایان و قیاحانه با خانوایهای شهیدا برخورد می کنند و آنها را به داخل پادگان آورده لخت می کنند و با شلاق و کابل آن قدر می زنند که رگهای دستان آنها از بین می رود و خونریزی شدید ایجاد می شود؟

من نامه ای را به مقام معظم رهبری و مسئولان نوشته ام و از مقام معظم رهبری استدعا دارم به عنوان یک بسیجی، پاسدار، یک عضو خانوای موشهید و به عنوان کسی که کل خانوایم در جهت این انقلاب خدمت کرده اند خواهش می کنم به داد این مظلومین و مردم پابرهنگه آن روستاها و شهرها برسید . وی بعد از اظهار مطالب بالا اظهار ندامت نمود . معلوم میشود که "دادگاه ویژه روحانیت" و "ساواک" کوشندهای لازم را به نمایندگی مجلس ارتجاع کرده اند .

ضمیمه دوم:

علی اکبر ختشی یکی از سرکردگان جناح موسوم به "خط امام" است. وی در انتخابات مجلس سوم ارتجاع، وزیر کشور بود یکی از نزدیکان به خمینی و از تشکیل دهندگان اصلی "جمع روحانیون مبارز" که با حمایت خمینی در مقابل "جامعه روحانیت مبارز" تشکیل شده است. در انتخابات مجلس چهارم ارتجاع، محتشمی که فعلاً مسئول مجله بیان است، کنسار گذاشته شد. بیش از دو سال قبل، وی طی یک مباحثه مفصل با کیهان هوایی دیدگاههای خود را پیرامون مسائل کلی بیان نموده است. در اینجا خطوط اصلی نظرات او را به نقل از کیهان هوایی شماره ۹ و ۸۶ و ۸۷، که در اسفند ۱۳۶۸ منتشر شده است را چاپ می کنیم .

"به عقیده من، برخورد تهاجمی اسلام نساب محمدی (ص) به وسیله نیروهای مقاومت اسلامی با نظام شیطان سلط بر جهان، فروپاشی حاکمیت یوشالی آمریکا و در نتیجه حاکمیت اسلام ناب را تسریع می کند .

- اصولاً هرگاه یک انقلاب از تفکر و اصول انقلابی خود سعی در بسط و گسترش و صدور آن دست ببرد در محکوم به زوال سقوط است .

- در مورد صدور انقلاب عرض می کنم که صدور انقلاب از عقولات اختیاری نیست. یکی از ویژگیهای انقلاب نورانی اسلام این است که در جهات آزادی و نجات انسانها و ستم سوزی و کمال بشریت است و این انقلاب به خودی خود راه خویش را در جوامع بشری باز می کند و حدود و شعور و مرزی را نمی شناسد و نه تنها دشمن که رهبران و حامیان انقلاب هم تازمانی که اصول انقلاب حاکم باشد، قادر به مخالفت با صدور آن نیستند .

- مادر کشور ما یعنی در خارج از کشور تفکری داریم که معتقد است باید درست آنچه را امام فرموده و اصولی که برای انقلاب تعیین کرده عیناً پیاده کرد طرز تفکر دیگری که در کشور وجود دارد معتقد است که ما کشورمان را باید به سوی صنعتی کردن به شکل غرب ببریم. تفکر سوم معتقد است که کشور ما باید به شکل بازار تجاری و سرمایه داری آزاد اداره شود . تکنوکرات های کشور اعم از دولتی و غیر دولتی معتقدند که کشور باید صنعتی شود سرمایه داران ان سنتی هم می گویند کشور باید بسمت سرمایه داری بخش

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۲

دخالت رژیم خمینی در انفجار هواپیمای پانام

به گفته رادیو فرانسه ۵ اردیبهشت: "احمد بن بلا رئیس جمهور پیشین الجزایر در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که لیبی در ماجرای انفجار هواپیمای پانام مسئول نیست و مدارک مسلمی دال بر دخالت ایران و سوریه در این انفجار موجود است. وی همچنین اعلام کرد که رئیس جمهور امریکانیزا از این مدارک با خبر است ولی در حال حاضر بخاطر مبارزه انتخاباتی آن را نادیده میگیرد."

کردستان ترکیه

طی ماه گذشته، بین نیروهای انتظامی دولتی ترکیه و مبارزین کرد این کشور چندین درگیری نظامی سخت روی داد. خبرگزاریهای خارجی از عملیات نظامی دولت ترکیه در شمال عراق گزارشات متعددی پخش نمودند و این خبرگزاریها همچنین از عملیات نظامی حزب کارگران کردستان علیه نیروهای نظامی دولت ترکیه گزارشات مخابره نموده اند. خبرگزاری رویترز در تاریخ ۱۲ اردیبهشت امسال از درگیری سخت بین نیروهای نظامی ترکیه و مبارزین کرد این کشور خبر می دهد. همچنین رادیو کلن در تاریخ ۲۱/۲/۷۱ از درگیری نظامی بین رزمندگان کرد ترکیه با نیروهای نظامی دولت ترکیه صحبت می کند. مینبال تلاشهای دیپلمات دولت ترکیه برای قطع امکانات پشت جبهه حزب کارگران کردستان - سپس از مذاکرات مقامات ترکیه با دولت سوریه، رادیو کلن در تاریخ ۱۷ اردیبهشت امسال گزارش نمود که پس از مذاکرات بین دولتهای ترکیه و سوریه، مبارزین حزب کارگران کردستان، پایگاه خود در دره بقاء، لبنان که در کنترل رژیم سوریه است را تخلیه کرده اند. طرفداران حزب کارگران کردستان در کشورهای اروپایی، طی اقدامات متعدد، شیوههای سرکوبگرانه دولت ترکیه را افشاء و حمایت بخش وسیعی از افکار عمومی را جلب کرده اند. در مراسم اول ماه مه امسال در کشورهای اروپایی، دهها هزار نفر از کردهای ترکیه، با شرکت در مراسم اول ماه مه، ضمن پشتیبانی از حزب کارگران ترکیه، سیاست دولتی ترکیه در رابطه با سرکوب کردهای این کشور را محکوم کرده اند.

مراسم اول ماه مه در جهان

مراسم اول ماه مه امسال، در نقاط مختلف جهان برگزار شد. این مراسم در مسکو که سالها قبل بمسورت رسمی و دولتی برگزار می شد، امسال توسط کمونیست های روس سازماندهی شده بود و شعارهای آن علیه یلتسین بود. مراسم اول ماه مه در برلین به جنبش حمایت از شورش لوس انجلس و علیه تبعیض نژادی تبدیل شد. این تظاهرات مورد حمله پلیس برلین قرار گرفت و طی درگیری های خیابانی بیش از صد نفر زخمی و حدود ۳۰۰ نفر دستگیر شدند.

انتخابات در کردستان عراق

انتخابات عمومی برای ایجاد یک مجلس ملی در کردستان عراق در روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت امسال برگزار شد. قرار بود این انتخابات در روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت برگزار شود که بعثت اشکالات فنی بمدت ۴۸ ساعت عقب افتاد. خبرگزاری ها و تعین دادی از نمایندگان پارلمان های کشورهای اروپایی، ناظر بر انجام این انتخابات هستند. جبهه کردستانی که از احزاب و گروههای اصلی کردستان عراق تشکیل شده، مسئولیت انجام این انتخابات را بعهده دارد. نمایندگان انتخاب شده، سیاست آینده کردهای عراق در قبال مسائل متعدد منجمله در قبال مذاکره با دولت عراق را تعیین می کنند. دولت های ترکیه، عراق و ایران هر یک بنحوی با این انتخابات مخالفت کرده اند. احزاب جبهه کردستانی قبل از انجام این انتخابات طی یک اطلاعیه مشترک اعلام نمودند که "به نتایج انتخابات احترام گذاشته و بدون قید و شرط به نتایج آن ملتزم می باشد". احزاب جبهه کردستانی از اعلامیه مشترک خود تعهد کرده اند که "انجام انتخابات را به شیوه آرام و طبیعی تضمین کنند". "از هرگونه رویدادی که باعث بهم ریختگی اغتشاش یا ایجاد مانع بلیغیر سالم کردن انتخابات شود" جلوگیری کنند. این اعلامیه مسئولین اصلی حزب دمکرات کردستان عراق - حزب کمونیست عراق - حزب سوسیالیست کردستان - اتحادیه میهنی کردستان - حزب خلق دمکرات کردستان - حزب مستقل دمکرات کردستان - حزب زحمتکش کردستان و جنبش دمکراتیک ملی آشوری، امضا کردند. در تاریخ اوائل اردیبهشت امسال نیز انتخابات برای اتحادیه میهنی کردستان عراق انجام گرفت. رادیوی حزب دمکرات کردستان عراق در روز ۱۲ اردیبهشت امسال اعلام نمود که ۴۶ درصد معلمین کردستان عراق به لیست این حزب رای داده و بنابراین، لیست این حزب برنده شده است. این رادیو تعداد شرکت کنندگان در انتخابات اتحاد معلمین ۲۰۹۶۳۱ معلم اعلام نمود. بنابه گزارش این رادیو لیست یکیتی ۳۹ درصد آرا را بخود اختصاص داده است. نتایج قطعی انتخابات مجلس ملی کردستان عراق هنوز اعلام نشده است.

افزایش جنایت در فرانسه

به گزارش آمار پلیس فرانسه، میزان جنایت و جنایت در این کشور در سال ۱۹۹۱، ۲/۲٪ افزایش داشته است. در این سال تعداد ۳/۷ میلیون جرم جنایت در فرانسه اتفاق افتاده است که حدود ۲۵۰ هزار مورد نسبت به سال گذشته افزایش را نشان می دهد. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ مقدار بزهکاری و جنایت، در سال روبه کاهش میرفت که دوباره از سال ۱۹۸۹ روبه بالا رفته است. فرانسه از ایمن نظر پنجگمین مقام را در میان ۱۲ کشور اروپایی دارد.

در تکمیل روتوزیع
آثار سازمان
بکوشید

کاریکاتور خمینی در مجله "فاراد"

از صفحه ۱



مجله علمی "فاراد" وابسته به موسسه علمی فاراد در آخرین شماره خود اقدام به چاپ کاریکاتوری کرد که بدلیل شباهت های زیادی که به خمینی داشت از سوی بعضی از مقامات رژیم، مسئولین آن "واجب القتل" شناخته شدند. این کاریکاتور که در زیر چاپ شده یک فوتبالیست را نشان می دهد که سری شبیه به خمینی دارد و روی سینه اش با حروف فارسی و انگلیسی کلمه جلاذ نوشته شده است. دستهای این فوتبالیست تا رنج خونین است و به گفته بعضی ها تویی که مشغول شوت کردن آنست نیز به سرانسان شباهت دارد و دست راست آن نیز بریده به نظر میرسد. بدینال چاپ این کاریکاتور، ساختمان موسسه فاراد مورد حمله مزدوران حزب الهی قرار گرفت و منهدم شد و شش نفر دستگیر شدند. مدیرمسئول این مجله بنام "ناصرعربا" از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تهران و با شکایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت تعقیب قرار گرفت.



اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

اعدام زندانیان سیاسی در ایران

دفتر مجاهدین خلق روز ۱۷ اردیبهشت اطلاعیه‌های با عنوان "اعدام حداقل ۱۵۰ زندانی سیاسی در ایران در هفته‌های اخیر" منتشر نمود. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "در تهران - رژیم ملایان ۴۵ نفر از زندانیان سیاسی را اعدام کرده و اجساد آنان را به قبرستان عسگر آباد در جنوب شهر تهران منتقل می‌کند. ۵۰ تن از اعدام شدگان عبارتند از حاج علی احمدی، حمیدنادری محمدسلامی، سردی، بشار شبیبی."

شهید بشار شبیبی رزمنده ارتش آزادیبخش ملی ایران، در بهار سال گذشته توسط یک گروه کرد عراقی (گروه طالبانی) به همراه یک رزمنده دیگر ارتش آزادیبخش دستگیر شد و به پاسداران خمینی تحویل گردید. نماینده این گروه در تهران همان موقع به خبرنگاری هاگفت که این دو نفر را به پاسداران در قصر شیرین (غرب عراق) تحویل داده است. طبق اطلاعات واصله، بعد از مبارزه قرارگاه اشرف، زندانیان سیاسی در زندان‌های مختلف به اعتصاب غذا مبادرت نموده و متعاقباً پاسداران جنایتکار تعدادی از هواداران مجاهدین را اعدام می‌کنند."

تحصن کارگران مسجد سلیمان

بیش از دوهزار تن از کارگران وابسته به وزا رت مسکن و شهرسازی رژیم در شهر مسجد سلیمان از روز ۲۹ فروردین در مقابل فرمانداری این شهر تحصن نمودند که این تحصن تا تاریخ اول اردیبهشت همچنان ادامه داشت. دستمزد این کارگران که در حال ساختمان سازی برای واحدهای مسکونی ارتش هستند، حدود یکماه است که به علت نداشتن بودجه، پرداخته نشده است. در روز شروع تحصن کارگران که قصد ورود به فرمانداری شهر را داشتند بانیره‌های انتظامی و سپاه که مانع ورود آنها بودند درگیر شدند.

پیام آقای مسعود رجوی به مردم شیراز

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در پیامی به مردم شیراز، بخاطر سلسله اقدامات و تظاهرات قهرمانانه آنان درود فرستاد و حرکت عظیم آنان را که سرمشی برای دیگر شهرهای ایران زمین خواهد بود، پاسخ عادلانه، مشروع و برحق مردم ایران در مقابل نمایش مسخره انتخاباتی دیکتاتوری در هم شکسته خمینی توصیف نمود.

درگیری های خونین در استان چهارمحال بختیاری

اخبار رسیده از داخل کشور حاکی است که بدنبال انتخابات فرمایشی مجلس رژیم، طی دو هفته گذشته شهرها و روستاهای مختلف استان چهارمحال بختیاری صحنه درگیری های مختلف بوده که در اثر آن چهارتن از تظاهرکنندگان نیز کشته شده‌اند.

این درگیری ها در روز ۲۲ فروردین در شهر فارس این استان و بخشهای اطراف آن منجمله چونقسان، چوللیجو، راستاب و تربت جام با تظاهرات بیش از ۵۰۰۰ تن از اهالی با شعارهای مرگ بر فرسنگانی آغاز شد. بدنبال اعزام پاسداران برای سرکوب تظاهرکنندگان درگیری های اوج خود رسید و در پی آن مردم، فرمانداری شهر و هفت دستگاه اتومبیل نظامی و تعدادی اتوبوس و کامیون متعلق به سپاه پاسداران را به آتش کشیدند. در پی این زدوخوردها، ۱۲ تن از نیروهای سرکوبگر توسط مردم به گروگان گرفته شدند.

طی هفته گذشته نیز مردم خشمگین این استان، فرمانداری شهر اردل را به آتش کشیده و به مقبره پاسداران در شهردیپلان تهاجم نموده و آن را خلع سلاح کردند. همچنین در روزهای بعد از انتخابات درگیری های گسترده ای بین مردم و پاسداران سرکوبگر در شهر لردگان استان چهارمحال به وقوع پیوست. آقای مسعود رجوی طی پیامی به مردم به پا خاسته استان چهارمحال درود فرستاد و گفت آتش مقاومت شعله ور مردم سراسر ایران سرانجام دامنگیر این رژیم ضد بشری و سرمداران جنایتکار آن شده و راه سرنگونی تمام عیار این رژیم بدست ارتش آزادیبخش ملی ایران را هر چه هموارتر می‌کند.

تظاهرات مردم الشتر و راه

بدنبال برگزاری انتخابات، مردم الشتر در استان لرستان در صبح ۱۹ اردیبهشت به خیابانها ریخته و با شعارهای مرگ بر فرسنگانی، مرگ بر خامنه‌ای، به ساختمانهای دولتی حمله ور شدند. پاسداران سرکوبگر به سوی مردم آتش گشودند و یک نفر را کشته و حداقل ۳۰ نفر را مجروح کردند. در جریان این درگیری های گسترده، بخشداری، شهرداری و بسیاری از ساختمانهای دولتی، سه بانک و ۱۶ دستگاه خودرو پاسداران به آتش کشیده شد، ساختمان بخشداری بر اثر آتش سوزی کاملاً منهدم شد.

همچنین مردم شهر اهرا در استان آذربایجان شرقی نیز در همین روز در یک حرکت اعتراضی مشابه و با شعارهای مرگ بر فرسنگانی - مرگ بر خامنه‌ای به خیابانها ریخته و به ساختمانهای دولتی حمله ور شدند. شهرداری شهر به کلی درهم کوبیده شد و به سایر ارگانهای رژیم خسارات شدیدی وارد آمد. در این درگیری هادراتیراندازی متقابل گروهی از تظاهرکنندگان و همچنین تعدادی از پاسداران زخمی شدند و حدود ۱۶۵ نفر در شهر اهرا دستگیر شدند.

درگیری در حوزهای انتخاباتی

همزمان با درود دوم انتخابات فرمایشی آخوندها که بطور چشمگیری از سوی عموم مردم ایران تحریم گردید، درگیری های گسترده ای در تهران و شهرستانها بین مردم و پاسداران سرکوبگر و همچنین میان باندهای رقیب صورت گرفت.

۳. خرداد نقطه عطفی

در جنبش رهائی بخش مردم ایران

از صفحه ۱

روز ۲۰ خرداد صد هزار نفر از مردم تهران در اعتراض به سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن مادست به یک تظاهرات زدند که بدستور خمینی جلاد این تظاهرات مسالمت آمیز، بطور قهر آمیز سرکوب شد. تظاهرات ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ که بعد عورت سازمان مجاهدین خلق ایران صورت گرفت و مسعود استقبال وسیع مردم تهران و نیروهای انقلابی قرار گرفت، یک نقطه عطف در مبارزه مردم ایران برای تحقق دموکراسی و حکومت مردمی بود. رژیم خمینی با سرکوب این تظاهرات نشان داد که هیچگونه ظرفیتی برای تحمل نیروهای دمکراتیک ندارد و هرگونه مبارزه علنی و مسالمت آمیز که در جامعه وجود داشته باشد مستقیماً حیات این رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی را به زیر سوال خواهد برد. بدین ترتیب از فرودای تظاهرات ۲۰ خرداد ضرورت ایجاب می‌گردد که در مقابل قهر ارتجاعی رژیم خمینی، قهر انقلابی بعنوان شکل اصلی مبارزه بکار گرفته شود. جنبش مقاومت انقلابی بدرستی این راه را علیرغم تمامی پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایش، انتخاب نمود و تاکنون با اعتقاد کامل بدان، این خط مشی اصولی را ادامه می‌دهد.

طی ۱۱ سال گذشته، جنبش مقاومت مردم ایران به رشد بالنده خود ادامه داده و در صحنه داخلی و بین المللی به موفقیت های چشمگیری دست یافته است. این حقیقت که تمامی تفادهای جامعه ما، تحت الشعاع تضاد بین رژیم و مقاومت انقلابی ست و این تضاد طی ۱۱ سال گذشته در تمامی فعل و انفعالات اساسی جامعه تاثیر تعیین کننده گذاشته است بخوبی نشان دهنده ارزش، اهمیت و جایگاه جنبش انقلابی و مسلحانه مردم ایران است.

طی ۱۱ سال گذشته، جنبش مقاومت انقلابی مردم ایران، علیرغم بیسابقه ترین سرکوب ها و توطئه های ارتجاعی و امپریالیستی که علیه آن صورت گرفت، با گامهای استوار، راه سرنگونی رژیم خمینی را طی نموده و این مبارزه را تکامل بخشیده است. در مسیر این راه پرشکوه بسیاری از زنان و مردان فداکار میهن ما جان باختند و با شهادت خود از راه و سنن انقلابی در مقابل رژیم فرصت طلبی، به دفاع برخاستند. آنان قهرمانانه جان باختند تا بر اصالت، شفافیت و اصولی بودن جنبش مسلحانه انقلابی، گواهی دهند. در آغاز دوازدهمین سالگرد جنبش مقاومت انقلابی و مردمی ایران و در سالروز ۲۰ خرداد "روز شهدا و زندانیان سیاسی ایران" یاد همه شهدای بخون خفته خلق را گرامی می‌داریم. راه آنان را تا پیروزی محتوم مردم ایران و رژیم ارتجاعی خمینی و استقرار صلح و آزادی ادامه می‌دهیم. تردیدی نیست که مبارزه مردم ایران برای تحقق خواسته های برحق خود، یک مبارزه عادلانه و برحق است و جنبش مقاومت مردمی که این مبارزه را نمایندگی می‌کند، بانیره و لایزال مردم ایران و رزمندگان ارتش آزادی، رژیم ارتجاعی و ولایت فقیه را سرنگون خواهند نمود.



توضیح:

مجله فرانسوی زبان آفریک - آزی چندی پیش طی یک مقاله، شرح شهادت جوانان مقاومت و مجاهدین خلق به سفارتخانه و کنسولگری های رژیم در خارج کشور را به چاپ رساند که در این رابطه سفارت خانه رژیم در پاریس جوابیه‌ای را برای این مجله ارسال داشت. این مجله در شماره ۱۹۹۲ خود ضمن درج جوابیه مزبور، پاسخی به قلم ماجد نعمه به آن اضافه کرد که در زیر می‌آید:

"بادادن سرزشته سخن به مقاومت ایران گنه تبعید شده است و صحبت در داخل کشور برایش ممنوع می‌باشد، و در خارج غالباً مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نابود میشود. مجله آفریک - آزی سعی بردارد به تصویب متعادل از ایران فعلی دارد. اگر شرایط کار روزنامه نگارها تخمین میشود، برای ممانعتی برای فرستادن گزارشگر به ایران به منظور تکمیل آنچه که در پیونده قبلی آغاز شده است، وجود ندارد. آمار در مورد تعداد اعدام ها، متأسفانه غلط شده اند. این آمار با بیست های تهیه شده توسط مقامات ایرانی و سازمانهای دفاع حقوق بشر و مقاومت مقایسه شده اند. در مورد جداسازی بین "زندانیان سیاسی" و "آنها کسی که بعزت توطئه علیه منافع ملی پشت میله‌ها هستند" آفریک - آزی از هرگونه تفسیری خودداری میکند. در مورد آنچه که به قتل بختیار مربوط میشود در مرحله فعلی تحقیقات همه راهها به ایران ختم میشوند. همه تحلیل‌ها در مورد سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بر مبنای اطلاعاتی می‌باشند که ما متعجبش را ذکر کرده ایم. نقش ایران در حمایت از اف - ای - اس (جنبه نجات اسلامی) الجزایر یک نمونه روشن است. این دولت الجزایر است که سرویس های ایرانی را متهم به کمک به اف - ای - اس می‌کند. الجزایر اگر دارای دلایلی دال بر مجرم بودن ایران در اقدامات برای متزلزل کردن این کشور نمی‌داشت، کشوری که در گذشته بسیار به رژیم اسلامی کمک کرده است حتی در حد نمایندگی منافع ایران در آمریکا، هیچگاه روابط دیپلماتیکش را با ایران قطع نمی‌کرد."

در رابطه با شرکت مجاهدین خلق در سرکوب کردهای عراقی، ایران بهتر است، اول جلوی درب خانه خودش را چارو کند. چرا که نه تنها ایران هرگونه به رسمیت شناختن فرهنگی و ملی آنها را انکار می‌کند، بلکه رهبران آنها را در خارج تعقیب و نابود میکند. همانطور که با قاسم‌لو که در بین توسط ماسورین رژیم ایران کشته شد، کرد."



توضیح:

روزنامه فدرال نیوز سرویس در شماره ۱۲ دی‌بهشت خود قسمتی از سخنرانی جورج بوش در مجمع امریکایی دبیران روزنامه‌ها، را منعکس کرده است:

"سوال: یک سری مقالات جدید اعمال مشاورین شما و خود شما را چه در زمان معاونت ریاست جمهوری (اعمال مربوط به) کمک به عراق صدام حسین البته هدف چک کردن ایران در خلیج بود. اما شما هیچ گونه احساس تأسفی در رابطه با آن کمک‌ها ندارید و آیا در آن اعمال هیچگونه درسی در زمینه سیاست خارجی وجود دارد؟"

بوش: شما است گفتید که در آن زمان سیاست ما کمک به عراق از بعضی طرق بود. ما فکر، سعی نمی‌کردیم به آنها دلیل اینکه دمکراتیک بودند کمک کنیم. آنان درگیر یک جنگ بسیار جدی با ایران بودند. ما نمی‌خواستیم ناظر بی‌ثباتی کامل منطقه خلیج باشیم. ما ایرانی نمی‌خواستیم که عراق را تسخیر کند و بعد با سنگدلی بسعت جنوب حرکت کند. لذا یک منطق واقعی برای آن وجود داشت. ما هنوز نگران آن (صدام) هستیم. آن سوالی ندارد و هنگامی که او در آن روز با هواپیما به شمال مدار ۳۷ رفت من نسبت به معنی این کار در رابطه با امنیت کردها بسیار نگران هستم. من نگران شیعه‌های جنوب و جنوب شرقی هستم. من همچنین نگران بودم هنگامی که ناظر نفوذ ایران به داخل مزارع عراق برای تعقیب آن شیعه‌ها بودم. علیرغم درجه نگران رژیم عراق، ما نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کنیم."

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

میلیشهای قهرمان مجاهد معظفی ذاکری به شهادت رسید.
۱۳۲۲/۲/۲۹ - حمله مزدوران دربار محمد رضا شاه به میتینگ حزب توده در بابل و شهادت تعدادی از تظاهرکنندگان

۱۳۶۰/۳/۲۰ - عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوای رژیم جمهوری اسلامی توسط خمینی

۱۳۶۰/۳/۳۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوپاشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهها مبارز و میلیشهای مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

۱۳۶۰/۳/۳۱ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران به دستور خمینی - در این روز منجمله رفیق فدایی سعید سلطانیور و مبارز قهرمان محسن فاضل از سازمان پیکار اعدام شدند.

۱۳۶۲/۳/۱۲ - اعدام وحشیانه دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان سهاباد توسط مزدوران رژیم خمینی

۱۳۶۲/۳/۱۳ - انجام شیبه کودتای باند اکبر کامیابی - حسین زهری علیه خط اصولی در سازمان اقلیت

روزهای تاریخی

۱ ژوئن برابر با ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک

مزدوران رژیم هم‌دیگر را رسوا می‌کنند

از صفحه ۱

به دنبال سخنرانی هادی غفاری در جلسه ۳۰ فروردین ماه مجلس ارتجاع، که در آن اعلام کرد: "فرد تبعیدستی است و دیگری در بانک های خارجی پول ندارد." یکی از مزدوران دیگر رژیم بنام مسعود مرادی در نامه‌ای سرگشاده که در روزنامه رسالت به چاپ رسید گوشه‌ای از چپاولگری و تاراج سرمایه‌های ملی، توسط هادی غفاری در مورد جنایتکار رژیم را افشا کرد. این فرد در نامه‌اش خطاب به غفاری می‌نویسد: "آیا واقعا شما زیاده‌برده‌اید که در دادگاه ویژه روحانیت چه پرونده‌هایی دارید؟ ۲۰۰۰۴ یا فراموش کرده‌اید که کارخانه جوراب آسیا (استار لایت سابق) پس از سالها که در اختیار شما بود و صد میلیون تومان سودخالصی داشت با حکم دادگاه ویژه روحانیت به بنی‌سناد مستضعفان برگردانده شد؟ ۲۰۰۰۴ آقای غفاری شما گفته‌اید که برای ساخت موسسه غیرانتفاعی ۱۶ میلیون تومان سرمایه اولیه داشته‌اید، پس از چه منبعی فقط در سال ۱۳۶۹ مبلغ ۷۲ میلیون تومان برای تعمیرات و تمجیح ساختمانتان سند هزینه داده‌اید. ۲۰۰۰۴ چرا شما حاصل از ساختمان پزشکان در میدان ونک، ساختمان سعدی، ساختمان میر داماد و سایر مراکز میدان ونک و بسیاری از ساختمانهای دیگر که از اسلک و مستغلات برخی بنیادهای شما واگذار گردیده بود صرف چه اموری شده است؟ ۲۰۰۰۴ آقای غفاری شما در مجلس گفتید که جزا تو میبیلی که مجلس به شما فروخته است میبیلی دیگری ندارید پس آن بنز زرد و آن بنز لیموشی و آن پانترول آبی و کرم و مشکلی و آن بیژوی سفید و آن دو بیگان سفید و آن وانت آسمانی رنگ و آن مینی-بوس قرمز و آن رنو و آن مزدا آبی که در اختیار شماست از آن کیست؟"

مزدور هادی غفاری در بسیاری از جنایات رژیم خمینی شرکت داشته و مسئولیت قتل عام بسیاری از زندانیان سیاسی را بر عهده دارد. این فرد میلیون‌ها دلار در جریان سالهای نمایندگی خود در مجلس به جیب زده که از طرف مزدوران جناح مقابل افشامی شود.

خارجی از ۲۲ مه تا ۲۱ ژوئن

۲ ژوئن ۱۳۲۷ - تشکیل نخستین تشکلات کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست ها بوسیله مارکس وانگلس ۲۸ مه ۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون بوسیله نیروهای ارتجاعی فرانسه

۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارستوچه گوارا

۱۸ ژوئن ۱۹۵۲ - کودتا علیه دولت ملی آرمین در گواتمالا توسط اسپریالیسم امریکا

۲۵ مه ۱۹۶۲ - تاسیس سازمان وحدت افریقا

۹ ژوئن ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جنبه خلق برای آزادی عمان

۵ ژوئن ۱۹۶۹ - تاسیس دولت موقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام

۲۱ مه ۱۹۷۹ - حمله نهایی جنبه ساندینیست علیه نیروهای سومورا در نیکاراگوئه

۹ ژوئن ۱۹۸۲ - حمله وحشیانه دولت اسرائیل علیه اردوگاههای فلسطینی در لبنان

نقدی بر رمان "رازهای سرزمین من"

از صفحه ۱

توضیح نبرد خلق:

مطلب زیر نقدی بر رمان "رازهای سرزمین من" نوشته آقای رضا براهنی می باشد که توسط رفیق منصور اسان نوشته شده است. کتاب "رازهای سرزمین من" چندین بار در ایران تجدید چاپ شده، و به گفته نویسنده آن، از جنبه های حقیقی و عینی زندگی مردم ایران - مایه گرفته است. در این نقد نویسنده بر آن است که بر خلاف بیان آقای براهنی، در این کتاب از جنبه های حقیقی زندگی مردم اثری نیست. نبرد خلق برای استفاده خوانندگان خود اقدام به چاپ نقد حاضر می نماید.

رضا براهنی درموزه ای که برکتاش "رازهای سرزمین من" نوشته اظهار می دارد که: "ماخذ و مراجع اصلی این رمان، زندگی متنوع، دردمند، امیدوار و نومید مردم ما و فرهنگ پریشان آنها، و رویاها و آرزوهای آنها بوده است." (جلد دوم صفحه ۱۲۷۴) اما داستانی که وی به رشته تحریر در آورده اگر تنها از یک جنبه عاری باشد همان بیان حقایق "زندگی متنوع" مردم است.

شخصیت های داستان اسطوره های اغراق آمیز خوبی و بدی هستند و سایه سپید و سیاهی که بر زندگی تپک و شرشان سایه افکنده است رمان براهنی را از بسیاری جنبه ها به سوز فیلم هندی نزدیک می کند. ماجراهای عشقی و ناموسی، صحنه های تعقیب و گریز پلیسی، فساد اخلاقی، جریانات جاسوسی، قتل و آدم کشی و دیگر سناریوهای تکراری جنائی نویسان دست چندم با چاشنی انقلابی گری مبتذل و روکش خدشاهی و ضد امریکایی مساویست با رمان آقای براهنی!

در هیچ کدام از صحنه هایی که او به شرح و تاویلش پرداخته رهیای زندگی آشنا و دیرپای مردم را نمی توان یافت. ادم های اصلی کتاب که ساختمان رمان بر اساس زندگی آنها شکل گرفته با مامورین سیا و اعانت شکنجیات بسیار مرموز و در عین حال قدرتمندی هستند که شاه در مقابلشان "ارباب کوچکتر" محسوب می گردد و سیا پیشگوها، رمالها، فالبین ها و اجنه های پنهانی محسوب می شوند. اگر در هر یک از این نمونه ها بتوان سرائی از ظواهر عینی و فرآیندهای دیگر صحنه های تاریخ چند ده ساله ای کشورمان گرفت آنوقت می توان به براهنی بخاطر ترسیم دقیق روایای آشکار و پنهان زندگی پیشینان احسن و آفرین گفت. اما همانگونه که گفته شد در عین اینکه براهنی کوشش می کند شخصیت های داستان را با هزار و یک رشته به سلسله وقایع رخ داده از تصرف آذربایجان تا ۲۲ بهمن پیوند بزند ولی هویست آن را چه از نظر رفتاری و چه از نظر جایگاه اجتماعی به شکلی تصویر می کند که بکلی با واقعیت های مادی در تناقض قرار می گیرد.

اشتباه نشود، منظوم این نیست که وظیفه ای ادبی نویسنده در اینجا الزاما تاریخ نویسی و شرح مویه مو رویدادهائی است که چه بسا هیچکس تابعال به آنها دقیق نشده است. و به همین سبب نمی خواهم بگویم که خیالپردازی براهنی پیشاپیش بدلیل غیر واقعه ای بودنش محکوم است، غرض این است: از آنجایی که نویسنده در این کتاب ظاهر ارسالت نقد سیاسیست

و کارگردانان سیاست شاهنشاهی از یکسو و تشریح با زتاب آن بر زندگی پائینی ها را از سوی دیگر به عبده گرفته است حداقل می بایست به جوهره و خمیرمایه ای هر دو بخش این معادله وفاداری می ماند تا آنچه که در نفی با اثبات آنها به رشته تحریر می کشید خواننده را نه به دیار فانتزی های هزار و یکشب که به سرزمین آشنای خود او رهنمون می شد.

و این مرست همان تناقضی است که در سراسر کتاب خود راه نمایش می گذارد. به عبارت دیگر، داستان تم خود را از بخشی از تاریخ مکتوب می گیرد اما آنچه که سر انجام بدان پرداخته می شود زندگی نقش آفرینان این تاریخ نیست بلکه تراوات ذهنی نویسنده است. از این لحظه به بعد داستان بر سر دوراهی قرار می گیرد. نه به دلیل زیربنای اجتماعی خود می تواند رمان عشقی - حادثه ای باشد و نه به علت تمام آنچه که پیگیر کتاب را با صحنه های مهیج - تراژیک در بر گرفته قادر است داستانی اجتماعی با زمینه های سیاسی باشد. تلاش نویسنده برای پیوند این دو وجه متناقض فرجام نیکویی نمی یابد، زندانی سیاسی شدن "حسین تنظیمی"، کشتن امریکائی ها، تظاهرات خیابانی و دیگر جلوه های تپیک "سیاسی کاری" هیچ نمی یابد. در مضمون اصلی داستان نمی دهد و در نهایت به بهانه یاب و تریگونیم به توجیه دیگر بخش های آن تبدیل می شود. نمونه ای که در "فیلما فارسی" های سالهای ۵۹ و ۶۰ به کرات آرا مشاهده کرده و فرصت طلبی سازندگانشان که سناریوهای لنین ماپ پیش از قیام را با روز و یوز انقلاب و انقلابی می آراسته نگه داشته ایم. براستی آقای براهنی می تواند ادعا کند کتابش جایگاه بهتری نسبت به آنها می یابد. وقتی که در یکی از تم های اصلی داستان انگیزه "هوشنگ" یکی از مامورین عالی رتبه سیا که کلید اصلی این سازمان ایران محسوب می شود، برای قتل یک فرد مالدیولایی که سی، چهل سال پیش شاهد اعدام "گروه بان واقسر ایرانی به جرم قتل یک سروان امریکایی بود" "خراب" کردن رابطه ایران و امریکا "در صورت افشاکسری او فکر می کند، آنها هم ترک مارگم قیام و زمانی که مردم با آرزوی کشتن جزیره ثبات امریکا، این رابطه را از ریشه "خراب" کرده بودند؟ به قتل رساندن هزاران هزار نفر از مردم با سلاحهای امریکایی و بدست آوردن مزدوران ایرانی امریکا آیا برای خراب کردن رابطه کافی نبود؟ خود نویسنده در کتابش به قیام، تظاهرات، کشتار خیابانی و غیره اشاره می کند، پس چگونه است وظیفه ای سازمان سیرا کشتن "حسین تنظیمی" برای نجات مناسباتی که با این شواهد دیگر از میان رفته است تعیین می نماید؟

قضیه تنها منطقی با غیر منطقی بودن روال داستان نیست، بحث این است که استدلالهای شگفت آور نویسنده تنها رنگ و لعابی است که وی برای منشاء "سیاسی" بخشیدن به ماجراهای عموما جنائی کتاب بکار می گیرد. جلد دوم کتاب شاهد بیدریغ خاصه حزبی هاشی است که نویسنده به همین منوال از جیب قیام و مقامین فد امریکایی و ضد سلطنتی آن می کشد و از این نظر نسبت به جلد اول که تا حدود زیادی به بیوگرافی "تیمسار شادی" اختصاص دارد - و دقیقاً به همین دلیل سنگینی این بار دو جانبه و متناقض را کمتر اشکار می کند - یک پله عقب تر قرار می گیرد. جستجوی

مداوم "حسین تنظیمی" برای یافتن "تیمینه ناصری" که به یک رشته عملیات محیر العقول منتصب می شود از نمونه های بارزی است که به بهترین وجه طعم آتش شله قلمکار براهنی را به خواننده می چشاند.

"حسین" که یک جادو زندان نقشه گرفتن انتقام از همسر "سرهنگ جزایری" را می کشد می گوید "اگر روزی بیایم بیرون، بخاطر نابود نکردن تو خواه بودم." (جلد اول صفحه ۲۲۷) ناگهان هم و تم خود را روی پدید آکسردن "تیمینه" می گذارد و بخش مفصلی از جلد دوم را به این موضوع اختصاص می دهد. او خاطرات و رویاهای زندانش را فراموش می کند تا به دنبال کسی بگردد که ظاهر اخفی است و ارتباط با او از کانالهای امنیتی بسیاری باید بگذرد. "حسین" ابتدا با جوانی آشنا می شود که احتمالاً می داند "تیمینه" کجاست. جوان طوری برخورد می کند که گویا به حسین اعتماد ندارد و می بایست او را چک کند. حتی یک صحنه تعقیب و گریز میان این دو نیز پیش می آید. تنها در اواخر داستان است که مشخص می شود جوان مذکور هم "تیمینه" را نمی شناسد و در ملاقات با او حتی اسم اصلی اش را هم نکرده می کند و پرسش اینکه چرا جوان با این درجه ای با از رعایت اصول مخفی کاری با حسین برخورد کرده، بی پاسخ باقی می ماند. سپس پای "بابک اصلان پور" یکی از نزدیکان تیمینه به میان می آید که او نیز به همین صورت با شیوه ای امنیتی با "حسین" تماس می گیرد تا برایش قرار می دهد. "تیمینه" بگذارد. نویسنده به ماتوضیح نمی دهد که چرا "تیمینه ناصری" مخفی است، چرا می بایست برای ملاقات با او از پیچ و خمهای امنیتی عبور کرد و چرا تلاش کرده تصویر او را مشابه رهبران گروه های زیرزمینی و چریکی ترسیم کند در حالیکه سرآ خر معلوم می شود وی زن تنهایی بوده که ۷ یا ۸ سال از عمرش را در کلیه ای در کندانوان سپری کرده و تنها بزرگی اش اشتیاق گرفتن انتقام شوهرش از "تیمسار شادی" بوده است؟ اما توضیح نویسنده در تشریح انگیزه "حسین تنظیمی" برای این همه تلاش بسیار جالب است، او می گوید: "نجم این انقلاب خمینی است. ولی این گل مساله است. کلیات اصلی و اساسی مساله است. برای عموم است. در معنای عامش. ولی این گل، با هر کسی، در واقع با هر مستلایی، در جایی که برای او حیاتی است، رابطه برقرار می کند، مثلاً با تو ممکن است از طریق مدرسه ای که مدیرش هستی رابطه برقرار کند، با احمد از طریق خوابگاه شیرینی که می بیند - خواه خواب ظلمت شدن، خواه خواب شهید شدن - و با من از طریق تیمینه ناصری." (جلد اول صفحه ۵۸۰) از "نجم انقلاب" فعلی گذریم و آنرا به بخش دیگری موقوف می نمائیم. اگر شخصیت "تیمینه ناصری" غیر از آن چیزی بود که نویسنده عنوان کرده و اگر وی سبیل با عرشه کننده یک نگارش معین به جامعه با حواشی پیرامون آن محسوب می گشت، شاید می شد "رابطه ای" که در اینجا "حسین" از آن نام می برد را در پیچه ای برای دستیابی به آن نگارش و کشیدن سیر نوینی به روی زندگی معنا کرد. در این صورت حتی می شد حلول "نجم انقلاب" در پیگیر واسطه هایی همچون "تیمینه ناصری"، "مدرسه ای ابراهیم" و "خواب احمد" راه نمیده گرفت! اما قسمت های بعدی کتاب جای هیچ شکی باقی نمی گذارد

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

که اساسا این فرد فاقد هرگونه پیوند غیر شخصی با انقلاب و بادیگر افراد نزدیک خود می‌باشد و از این رو دارای جذابیتی که بتواند بطور عقلانی مدلل کننده اشتیاق "حسین" برای یافتنش باشد، نیست. "مدرسه‌ی ابراهیم" باندانش آموزان شهیدش و انعکاس واقعیت مادیت یافته‌ی کوچک و خیابانهای ۷۰ هزاروی شبانه "احمد" می‌توانند تاثیرات عینی "رابطه" آنها با انقلاب باشند اما زنی ناشناس، بی‌چیده در لفافه‌های گنگ افکار "حسین" هرگز او چندپاراکراف جلوتیر از این سخنرانی اش راجع به فلسفه‌ی انقلاب و "تعمینه ناصری" می‌گوید: "دنیا، تاریخ، انقلاب، وجود دنیا، برای من در مساله‌ی خصوصی خود من خلاصه می‌شوند". (جلد اول ۵۸۱) و با این ترتیب بکلی فراموش می‌کند که چگونه شکست و پیروزی انقلاب را هم به پیداکردن "تعمینه ناصری" منوط نموده و به انگیزه خود چگونه بعد سیاسی و تاریخی بخشیده بود.

هم در آن قایم باشک بازی بازی های "جوان" با اسم مستعار "سهراب" و "بابک اسلان پور" و هم در این سخنان نغز "حسین تنظیمی" واقعیت نویسنده‌ای نهفته است که سعی می‌کند از ماهیت پلیسی - جناشی کتابش بگریزد و چون قادر به چنین کاری نیست پس شخصیت های سرگردانی را خلق می‌کند که می‌بایست باؤست سیاسی بر زمینهای جناشی به ایفای نقش مشغول شوند. تعجبی ندارد که باز یگران نقش اول داستان با اهداف انقلابی و ضد انقلابی - اما به هر حال سیاسی - به پیاده کردن ناشیانه متدهای جیمز باندی می‌پردازند تا خواننده صواب دنیا و آخرت را یکجا ببرد! کاراکتر افراد استان متناسب با سوزهای که استخوان بندی آن بر اساس روال غیر متعارف زندگی نوع پلیسی - جناشی تنظیم شده، نمادهای بلاواطه وزیر ذره بین قرار گرفته خوبی و بدی هستند. "تیمسار شادان"، "آدمکش"، مزدور آمریکا، هموسکول، شکنجه‌گر، قواد و ... "حسین تنظیمی": "شجاع، صریح، مقاوم، زندانی سیاسی و دشمن امریکای سلطنت - "الی" زن تیمسار شادان": "هرزه، بدکاره، خود فروخته، احمق و آلت دست، خواهر او "تعمینه" برعکس: نجیب، وفادار، بی باک، انتقام جو مادری فداکار. "هوشنگ شجاعی مراغه‌ای": مزدور ساواک و سیا، منحرف، قاتلی بی رحم و احتمالا هموسکول. "ابراهیم": هوادار صادق انقلاب، جنگجو پدر خوب خانواده و پسر مهربان مادر، سخاوتمند و آمانه کمک به همه. "تیمسار ضراب": قواد، سادیت و همسو - سکول. "رقیه خانم": مومن، هوشیار، پیشگو، نترس و همسری وفادار. "ماهی": هوسران، بدکاره، مزدور سیا، حریص ...

این فهرست را می‌توان به تعداد نقش آفرینان کتاب بسط داد اما فکر می‌کنم همین چند نمونه کافی است تا مشخص گردد چگونه داستانهای فوق - العاده احساسی اما سطح پایین - به حد ابتذال - لاله زاری در "رازهای سرزمین من" تکرار می‌شوند چگونه "حقایق" که نویسنده وعده‌ی پرداختن به آنها را به خواننده داده است به "شبیله بازی" عاشورا، تاسوعا تبدیل می‌گردد.

نکته دیگری که در مان "رازهای سرزمین من" جلب توجه می‌نماید رل برجسته‌ای است که خرافات در آن به عهده دارد. "حسین تنظیمی" در کوچهای خلوت با

سیدی روبرو می‌شود که او را تا بحال ندیده و نه می‌شناسد، مرآ عویش گریه سر می‌دهد و او آیه‌ای از قرآن را برایش می‌خواند و سپس دور می‌شود و حسین را در بهت و وحیرت بر جای می‌گذارد: "این شخص که بود؟ سایه بود؟ یکی از امامها یا امامزاده‌ها بود؟ پایک طلبه معمولی بود که با هر جوانی که در وضع من قرار می‌گرفت، دقیقاً همین معامله را می‌کرد؟ نه در آن لحظه‌ها و ساعت هایی که همان جاننشته بودند و به مساله فکری می‌گردد، می‌توانستم از او، و از ماجرای که اتفاق افتاده بود، سر در آورم." (جلد اول صفحات ۳۶۰ و ۳۶۱) حسین که از این ملاقات پریشان شده به توصیه‌ی مادرش نزد عانویسی بنام "قرصید" می‌رود. او ویس از شنیدن داستان اشک می‌ریزد و آدرس جایی را به او می‌دهد که می‌بایست برود. در این مکان حسین با زنی ملاقات می‌کند که گویا صحنه‌ی ملاقات او و آن روحانی را دیده بوده و ویس از آن مریض شده و در بستری بیماری افتاده است. سر آخر زن مذکور پس از دیدن حسین با خواندن آیه‌ای جهان می‌سپارد.

"قره سید" یکماه بعد همانطور که در قرآن نحوه مجازات فالگیرها و دعانویس‌ها ذکر شده به قتل می‌رسد، درست به همان شکل که حسین خوانده است: "یک نفر گفته بود که برای فهمیدن "سراج" بهتر است سوره "الحاقه" را هم بخوانی، و معاینش را هم در کئی این کار را کرده بودم، و نه سرسری، و معنای کلی شش هشت آیه از این سوره در ذهنم نقش بسته بود: "به درستی که قرآن سخن رسولی کریم است، و نه قول شاعری، و یا سخن گاهنی، قرآن فرستاده خدای عالمیان است، و اگر رسولی سخنی به نام ما جعل کند، دست راستش را می‌گیریم و شاهرگش را قطع می‌کنیم." (جلد اول صفحه ۳۶۲)

نمونه‌ی بعدی ماجراهای پیشگویی "رقیه خانم" است که شامل فهرستی طولانی می‌شود و در اینجا به اجبار به آنها اشاره می‌کنم. مورد اول پیدا کردن پسر گمشده "سرگرد سرور" است که خود آنرا اینگونه شرح می‌دهد: "یک خانم نورانی آمد به خوابم، به من گفت: تو چرا پسر سرگرد را پیدا نمی‌کنی؟ من گفتم: خانم قربانت کردم، همه‌ی عالم و آدم قربانت کردند، من از کجا بدانم پسر سرگرد کجاست؟ گفت: بلند شو برو پیش حاجی فاطمه. پیش از رفتن وضو بگیر. بعد قرآن را باز کن و بده دست حاجی فاطمه. اگر فال قرآن خوب بود، برو خانه سرگرد. اگر راحت ندادند، بگو ترا فلانی فرستاده، آن وقت راحت می‌دهند. برو پیش زن سرگرد. نگاه کن توی چشم زن سرگرد. ... من رفتم توی اتاق. زن سرگرد نشسته بود، سرش را انداخته بودیائین، می‌گفت: نسیم! نسیم! چرا بر بدنت؟ چرا مراتنه‌ها گذاشتند؟ و گریه می‌کرد. من گفتم مرافلانی فرستاده بگذار توی چشمت رانگاه کنم، پسر ترا پیدا می‌کنم. جلوش نشستم. نگاه کردم توش چشمهایش - پسرش را دیدم. آدرسش را می‌دانستم. وقتی بیرون آمدم آدرس را به فرنیکی خانم دادم. یک ساعت بعد پسر را بر داشتند، بردند خانه‌ی سرگرد." (جلد اول - صفحات ۶۲۵ - ۶۲۴)

مورد دوم را همسرا و "حاجی کلاب" تعریف می‌کند: "رقیه سفره راهپن کرده بود، نشسته بود داشت بچه را شیر می‌داد. ... یکپه رقیه این رو آن و رانگاه کرد. انگاری یک صداهایی می‌شنید. به من گفت: توجیهی

نمی‌شنوی؟ گفتم: نه. بعد یکدفعه چشمهایش گشاد شد. گشادگشاد. من گفتم چیه رقیه؟ حرفی نزد. بلند شد. باز هم این رو آن و رانگاه کرد. باهامان چشمها. گفت: بلند شو این بچه را بگیر، دنبال من بیا. من بلند شدم، گفتم: کجا بیایم؟ چه کار داری می‌کنی؟ و چادرش را سرش کرد، دوید. ... رقیه درهای خانه‌ها را یک یک نگاه می‌کرد، یک لحظه گوش می‌داد، می‌دید. من هم دنبالش می‌رفتم. ناگهان جلوی یکی از درها ایستاد. گوش داد. گفت: تونمی‌شنوی؟ گفتم: نه. زنگ در را زد. ... رقیه بچه را داد دست من، دوید. دم در اتاقی که یک سفره بزرگ افطار پهن کرده بودند، ایستاد. همه به صدای درو به دیدن رقیه بلند شدند. چند نفرشان زن و مرد بودند، و ده دوازده تا شان بچه‌ی قدونیم قد. رقیه آهسته گفت: بیاید بیرون، هممتان. کسی توی اتاق نباشد! همه آمدند بیرون. ترسیده بودند. بهشان گفت: برید تو حیاط! خودش ایستادم در. من نمی‌دانستم چه شده. من کنار پنجره ایستاده بودم، داشتم نگاه می‌کردم. رقیه چشمش را دوخته بود به دو تا متکای گنده که روی هم، صدر مجلسی، به دیوار تکیه داده بودند. ناگهان متکای پائین تکان خورد. نمیدانید چقدر ترسناک بود. متکا فقط تکان نخورده بود. می‌لرزید. ... ناگهان یک چیز عجیب و غریب، یک چیز وحشتناک از توی متکا بیرون آمد و غلطید. آ. م. د. وسط سفره. مار بود. دراز، سیاه ترسناک. (جلد اول - صفحات ۶۲۶ و ۶۲۷)

مورد بعدی، هنگامی که "حسین"، "رقیه خانم"، "مرتضی" و "احمد" مشغول با زرسی خانه‌ی "الی" هستند ناگهان "رقیه خانم" به گریه افتاده و بیسه "مرتضی" می‌گوید: "مرتضی خان! مرتضی خان! تو را خدا شاز اینجا برود! صدایش ناگهان مهربان شده بود." چرا؟ "نمی‌دانم! نمی‌دانم! ولی بروید، و قسم بخورید که دیگر پاتان را توی این خانه نگذارید!" (جلد دوم - صفحه ۶۸۲) و در نهایت در او را خر کتاب مشخص می‌شود که "مرتضی" به سمت "هوشنگ شجاعی مراغه‌ای" در همان خانه به قتل می‌رسد. (جلد دوم - صفحه ۱۱۸)

شخصیت های دیگری از داستان مانند "ابراهیم" و مادرش یا "حسین" و مادرش نیز مرگ خود را پیش بینی می‌کنند. گویا اطلاق کلیه صفات پسندیده به آدمهای "نیک" رمان بنظر نویسنده آنچنان هم غیر معمولی نیست و می‌بایست آنها را به ویژگیهای منحصر بفرد دیگری که تنها می‌توانند در عالم ماورا، لطیفه وجود داشته باشند نیز آراست تا غیر قابل رقابت با انسانهای زمینی کوچک و بزرگ گردند.

در مملکتی که "امدادهای غیبی" از زمین و آسمان می‌بارد و "امام زمانش" به نیروهای عراقی آربی جی وام ژس می‌زند جای هیچگونه تعجبی نیست که نویسنده‌اش هم برخی از این امدادهای غیبی را دست - مایه گرم کردن معرکه‌ی کتابش کرده و در جهت بساد بتازد و بتازاند! راستی قره‌نگر روضه خوان های چهارشنبه‌های آخر ماه آنقدر قویست که قادر است سر ذهن آقای براهنی چنین تاثیر شگفت آوری بگذارد، یا اینکه ایشان طبق همان روالی که مختصری از آن در قسمت های قبلی این نوشته از آن سخن گفته شد "غنی؟" ساختن محتویات داستان را به هر قیمتی در دستور کار خود قرار داده؟ اگر به افاضات نویسنده که

جامعه امریکابرسردوراهی

از صفحه ۱

چه میتواند مورد استفاده فرازگیرد و بدست آوردن آن در شرایط معمولی کار چند نسل را می طلبد.

شهرهای سانفرانسیسکو، سیاتل، تامپا، سانخوره، جورجیا، اتلانتا و... به آتش کشیده شد و آفای بوش که سال گذشته، مست از پیروزی در جنگ بانبروه های عراقی، وعده "صلح" و "عدالت" در جهان رانده بود، اکنون مجبور شد برای حفظ "آرامش" نیروهای ارتش را به حالت آماده باش بر آورد. وقتی "سوسیالیسم" موجود "از هم باشید و دیگر توجیهی برای اختصاص بیش از سیصد میلیارد دلار برای معارف نظامی وجود نداشت، انحصارات تسلطاتی امریکایی یک موج وسیع تبلیغاتی در مورد "هیتلر" جدید پلنگ راه انداختند تا یک قدرت منطقه ای، که تنها توانسته بود با حمت بسیار بر نیروهای درهم شکسته خمینی پیروز شود را، یک "ابر قدرت" و یک "خطر" برای صلح جهانی و نمود کنند و از این طریق چرخ تولید "سلاح" را همچنان در گردش نگه دارد. اشغال کویت این سناریو را تکمیل و دستگاه حاکمه امریکا فرصت را برای قدرت نمایی مناسب دید. یک اردو کشی عظیم، همراه با یک موج تبلیغاتی گسترده و پس از آن یک جنگ کثیف و وحشیانه هنوز ادامه است از فیلم برداران هالیوود که

وظیفه آنها نشان دادن مزایای بهشت سرمایه داری است در تدارک ساختن فیلم این پیروزی "جمعگبر" بودند که با سناریو حاضر و آماده ای در بنل گوش خود که بسرعت ساخته و به نمایش گذاشته میشود، مواجه میشوند. با شورش لوس آنجلس، انتقادات در جامعه امریکا باز هم گسترده تر میشود. آنان که به دنبال راه حل هایی از نوع جنگ خلیج فارس هستند و راه نجات را در لشکر کشی و گسترش مداخلات می بینند، و آنان که حقیقت جامعه امریکا را در آنچه در سوس آنجلس و دیگر شهرهای امریکا اتفاق افتاد دیده و راه نجات را با زکشت به درون ارزیابی می کنند، انحصارات میلیتاریستی گوش بسیار خواهند کرد که قدرت و هژمونی خود را در جامعه امریکا حفظ کنند. اما واقعیات سر سخت تری نیز عمل می کند. بیش از ۵۰ کشته و دوهزار و پانصد زخمی در شورش های اخیر یعنی چیزی مشابه تلفات امریکا در جنگ خلیج فارس، همراه با دوازده هزار دستگیری و یک میلیارد دلار خسارت.

حتی بی خیال ترین شهروندان امریکایی نیز نمی توانند در مقابل این حقایق بی طرف بمانند. نظرسنجی ها در جامعه امریکا نشان می دهد که محبوبیت بوش نسبت به نقطه پایان جنگ خلیج فارس بسیار کاهش یافته است. مخالفین بوش برای جذب نیروهای ضد انحصارات میلیتاریستی به آثار و اقداماتی در مورد فقر، بیکاری و فقدان نامین های اجتماعی اشاره میکنند که برای گرداندن "نظم نوین" جهانی ننگ و سرگسستگی دارد. هر چند که سرعت حوادث، پیش بینی دقیق را غیر ممکن می سازد اما بسیار محتمل است که در انتخابات ریاست جمهوری در امریکا، این بار نیز بوش برنده شود. اما دوره دوم حکومت او، دوره ایست که دیگر دشمن بزرگ در داخل جامعه امریکا بطور واقعی چهره می نمایاند و برای ارگانهای تبلیغاتی دستگاه حاکمه

در صفحه ۷

اوضاع افغانستان

از صفحه ۱

فرماندهان مجاهدین افغانی را مسئول حفظ نظم و امنیت شهر کابل بعد از ورود به این شهر تعیین کرد. بعد از امتناع حکمت بازار همگاری با این شور احمد شاه مسعود وزیر دفاع شورای حکومت موقت بانبروه های تحت فرماندهی اش که به عبارتی به ۱۰ هزار تن بالغ می شوند بعد از دو خورد های خونین با نیروهای حکمتد یار به کابل وارد گردید و کنترل شهر را در دست گرفت. نیروهای حکمت یار که بیشتر در جنوب شهر مستقر هستند همچنان به درگیری بانبروه های احمد شاه مسعود ادامه می دهند و پیش بینی میشود که درگیری های سهم تری نیز در آینده به وقوع بپیوندد. در این درگیری ها سربازان حکومت سابق در کنار احمد شاه مسعود به جنگ با نیروهای حکمت یار پرداختند.

روز سه شنبه ۸ اردیبهشت ماه کاروانی مرکب از ۵۰ عضو شورای موقت حکومت به ریاست صیحت الله مجددی که از پاکستان راه افتاده بود به کابل وارد شد و اعضای شورای موقت در مراسمی در مقابل مجددی اعلام وفاداری کردند. صیحت الله مجددی ضمن نگرش حملات حکمت یار به کابل به وی هشدار داد که در صورت ادامه جنگ با او به مقابله خواهد پرداخت. در مراسم تحویل و تحول قدرت فاضل خلیق نخست وزیر حکومت سابق به مجددی تبریک گفت.

نقدی بررمان "رازهای سرزمین من"

از صفحه ۱۰

از زبان "حسین"، "حاجی گلای"، "حاجی جبار" "ابراهیم" و غیره در مورد خمینی، بخصوص آنجا که در بهشت زهرا هنگام ورود او گفته می شود توجه کنیم: احتمال دوم رانزدیک تر به واقعیت خواصم یافت.

براهنی یکبار از خمینی (مانگونه که قبلاً آمد) بعنوان "تجسم انقلاب" نام می برد و طی محفلات متعددی که انقلاب تم اصلی داستان می باشد بگزارت به خمینی از زوایه و تأیید و اثبات می پردازد. از انتظار "حاجی فاطمه" (نامر "ابراهیم") برای شهادت پای فلجش توسط او (صفحه ۵۸) بگیرد تا در قسمت هایی از سخنرانی اش در بهشت زهرا (صفحات ۱۰۶ تا ۱۱۸) با توجه به چنین فتاوا نگیزه های است که اصولاً نقد خرافات مطروحه در داستان و تفسیرهای بیخاد پهلوی راجع به خمینی از زوایه ماهیت غیر عقلانی و سالیوانه ی خود آنها کاری عبث و اضافی است، آنچه که می بایست بدان پرداخته شود، وظیفه و تعهدی است که نویسنده از همان ابتدای کار آنرا به مسلخ برانگیختن هیجاناتی کاذب از یکسو و بیاب دادن وزارت ارشاد شدن از سوی دیگر برده است. هنوز ادبیات تحت حاکمیت رژیم ملایان اگر چه همواره با کابوس سانسور و حجاب و زندان روبه روست و هم از اینرو می بایست محدودیت های ناخواسته بسیاری را برای عرضه علمی بر خود هموار کند اما در عین حال ارزش و اهمیت واقعی خود در تصویر افکار راتنها هنگامی می تواند به اثبات برساند که دقیقاً در جهت عکس معیارها و ارزشهای متحجرو غیر انسانی ای که رژیم بعنوان "فرهنگ اسلام" عرضه می کند، حرکت نماید. موضوع هنرمند متعهد در حالی که ارتجاع افسار گسیخته جهل

تظاهرات خوتین مردم در شیراز

از صفحه ۱

بانک سپه در شیراز، شعب بانک های ملی و تجارت در بازار، شعبه بانک ملی در میدان قدیر، شعبه بانک ملی در ترمینال مسافربری شهر، شعبه بانک ملی در خیابان سمدی شعبه بانک صادرات در خیابان تختی، ساختمان آتش نشانی در منطقه قدیم و ساختمان آتش نشانی در فلکه خاتون، خسارات عمده ای وارد آمد و بیست و پنج بنزین های میدان ولی عصر و بلوار سلمان و خیابان پیرنیان نیز به آتش کشیده شد. در این تظاهرات تعدادی از معلولین جنگی نیز در پیشاپیش صفوف آن حرکت می کردند. آمیوی محلی شیراز برای پوشاندن این امر از مردم شهر خواست تا جلوی کسانی را که معلولین جنگی را تحریک کرده اند، بگیرند. معلولین جنگی که در اثر سیاست های ضد مردمی رژیم در ادامه جنگ ایران و عراق به این سرنوشت در ناله منجان شده اند، محتبا نسبت به عدم رسیدگی های لازم و گزافی روز افزون، ناراضی های را از خود نشان داده و دست به اعتراضاتی در تهران زده بودند، این بار در شیراز در جلوی صفوف تظاهر کنندگان به خیابان آمده و بر علیه رژیم می که از آنها بعنوان ابزار استفاده کرده و سپس آنها را به حال خود رها کرده اظهار ناز و چار کردند.

و خرافات را شیوع می دهد "رقیه خانم" خمینی نیست، "گل محمد گلپوشی" (۱) ست و هنر نعر خدمت بازگویی توهمات اولیه مردم نسبت به نمادینم بلکه پرورش خود آگاهی آنان قرار می گیرد. تمامی مظاهر سرکوب و اختفای که قلم و بیان را نشان گرفته حتی اندکی نیز از رسالت هنر در عصر ملامت می گاهد، بلکه اگر واقع بینانه بنگریم آنرا به کانون ستنزور و سیاهی، عشق و نفرت و زندگی و مرگ تبدیل می کند. هنگامی که "فلسفه شهادت" و "محمل گذار تمدن دنیا"، آتش بی منطق و جزم نیستی ستایش را پرورش می دهد و انسان روزنامه های رسمی را با وصیت نامه های متاثرین ۱۲، ۱۸ سالگی خود بر می کند یا انتظاری نامعقول است که از هنر خواسته شود ارزشهای متفاوتی را در مقابل این سیل مرگبار، به انسانیت تحقیر شده معرفی کند، از زیبا شناسی بگیرد و به تعریف زندگی بنشیند؟

جوهره هنر با جلوه های مادی و انسانی زندگی خاکی در هم آمیخته است و از این رو هنر تفکری که نوک حمله ی خود را متوجه نقطه طینده ی حیات یعنی انسان بنماید، در حقیقت به هنر نیز اعلان جنگ داده است. دفاع هنر از زندگی در این حالت با تلاش برای حفظ موجودیت خود توأم می گردد و این مبارزه ای است که شیوه های آن به تعداد معینی فرمول و قاعده محدود نمی شود، بلکه بیان هنرمند بدان تنوع بخشیده و شرایط مشخص شکلش می دهد.

اگر آقای براهنی واقعا قصد داشته باشد در مقابل آنچه که در کشورش می گذرد موضع بگیرد و از حق حیات نیمه دیگر انسان - هنر - دفاع کند، بیگنا کتاب او آخرین راهی است که می تواند برای رسیدن به این هدف وجود داشته باشد.

منصور امان زینویس (۱) - شخصیت اصلی رمان "کلیدر" اثر محمود دولت آبادی

اخبار و رویدادها....

درگیری آلونک نشین ها با پاسداران

چندین هزار نفر از مردم شهر درگز در جنوب خرم آباد لرستان در اعتراض به تخریب آلونک هایشان توسط مامورین شهرداری، به تظاهرات و اعتراض های ضد دولتی پرداختند. با دخالت پاسداران که بمنظور سرکوب تظاهرات مردم به این محل اعزام شده بودند، بین مردم و پاسداران درگیری گسترده ای رخ داد که حدود صد نفر دستگیر شدند. به گزارش خبرگزاری رویتر طی دوهفته ای که مامورین حکومتی سرگرم کارهای مربوط به انتخابات بودند، مردم بی پنجاه خرم آباد با سرعت شروع به ساختن سرپناه و آلونک در قسمت حومه جنوب غربی خرم آباد نمودند که با حمله ماموران شهرداری و انتظامی روبرو گردیدند. مزدوران رژیم به زور مردم را از آلونک های خود بیرون کرده و اقدام به تخریب این محل ها نمودند، روزنامه جمهوری اسلامی ضمن اشاره به این موضوع اعلام کرد که این آلونک ها روی زمین های دولتی و به صورت غیر قانونی ساخته شده بودند.

انفجار دفتر مجله "دنیای سخن"

دفتر مجله دنیای سخن، یکی از مجلات ماهانه که در تهران منتشر میشود توسط چند تن افراد مسلح مورد حمله قرار گرفت و با بمب منفجر گردید. به گفته کارکنان این مجله ۴ نفر ناشناس مسلح به تفنگ و تکیه وارد دفتر مجله شده و بعد از بمب گذاری در کنار دستگاههای کامپیوتری مجله، آنجا را منفجر کرده و از آنجا فرار نمودند. بنا بر گزارش های مختلف، این مجله در یکی از سرمقالات خود خواستار شده بود تا اسامی مدارس کشور را که بنام "شهیدان" نامگذاری شده، بمنظور جلوگیری از تاثیر منفی آن بر روی روحیه بچهها تغییر دهند. جواب بقایای رژیم خمینی به این پیشنهاد انفجار دفتر آن مجله بود.

در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

خرداد ماه

۱۲۹۹/۳/۱۴ - سالروز اعلام جمهوری گیلان توسط

میرزا کوچک خان

۱۳۱۰/۳/۱۰ - تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به

قانون سیاه توسط رژیم رضا شاه

۱۳۲۰/۳/۲۹ - خلع ید از شرکت نفت انگلیس توسط

دولت ملی دکتر محمد مصفک

۱۳۳۸/۳/۲۳ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ نفری کارگران کوره پز-

خانههای تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پزخانه در

یورش مزدوران رژیم محمد رضا شاه به اعتصاب

کنندگان

۱۳۴۲/۳/۱۵ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری

شاه

۱۳۴۹/۳/۲۰ - شهادت آیت الله سعیدی در شکنجه -

کاههای رژیم شاه

۱۳۵۱/۳/۴ - اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق

ایران، شهیدای قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید محسن

علی اصغر بدیع زادگان - رسول مشکین فام و محمود

عسگری زاده توسط مزدوران رژیم شاه

۱۳۵۲/۳/۲۵ - شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی در

درگیری با مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۷/۳/۱۵ - درگذشت کاک عزیز یوسفی از مبارزان

پرباقه دوران سیاه دیکتاتوری شاه پس از آزادی

از زندان

۱۳۵۸/۳/۹ - سرکوب خلقی عرب در خوزستان ایران

توسط رژیم خمینی به فرماندهی تیمسار شاهنشاهی

سید احمد مخنی (چهارشنبه سیاه)

۱۳۵۹/۳/۱۵ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاههای سراسر

کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به

خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادامه اقدامات

ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی

۱۳۵۹/۳/۲۲ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین

خلق در امجدیه و انجام سخنرانی توسط مسعود رجوی

در حمله چماقداران و مزدوران خمینی به این میتینگ،

در صفحه ۸



برای فتح قله های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یاب پیروزی

شهادت فدایی
خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوودی - امیر پرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - مریم شاهی - خسرو ترکل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت باشعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (درهند) - محمد رضامحمدیان بابا علی اکاک رشید) - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر اویسی - جعفر قنبر نژاد - بهنوش آذریان - طوسی سالهای ۴۹ تا کنون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیده و یادروزندانهای دژخیمان ستمگرشاه و خمینی اعدام شده اند.

انتخابات در کردستان عراق

در صفحه ۵

پیام تسلیت

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت پدر آقای دکتر هادی مهابادی عضو شورای ملی مقاومت ایران و نماینده این شورا در کنگره آوارگان ایران و خانواده مهابادی تسلیت می گوید.

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای گسترش مبارزات مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً به دست ما برسانید یا به حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد کیش
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب

NABARD_E_KHALGH No 84

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118

2200 DANMÅRK

HOVE, YAT
P.O BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

دانمارک

امریکا

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

P.L.K
Nr.039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY

فرانسه

آلمان غربی